



JOURNAL OF
CYBER LAW

نشر حقوق سایبر

Received: 18 /11/2025
Review: 25/12/2025
Accepted: 01 /01/2026
DOI: 10.22054/jocl.2025.813.2957

Journal of Cyber Law
No(3), Vol(2), 20-49.
ISSN: 0972-6934
www.jocl.ir

Analysis Of The Foundations And Legal Consequences Of Virtual Contract Termination From The Perspective Of Jafari Jurisprudence And Common Law

Mohsen Rajabloo¹, Mohammad Gholamalizadeh^{2*}, Mohaddeseh Sadeghian Lamraski³

1-Ph. D Candidate, Department of Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

2-Assistant Professor, Department of Law, Payam-e Noor University, Tehran, Iran.

3-Assistant Professor, Department of Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

ABSTRACT

Extensive developments in information technology have led to the emergence of new types of contracts in the virtual space contracts concluded without the physical presence of the parties which have raised novel issues regarding their dissolution and legal consequences. One of the significant challenges is examining the foundations of dissolving these contracts and comparing the approaches of different legal systems. The present study aims to analyze the foundations and legal effects of virtual contract dissolution from the perspective of Ja'fari jurisprudence and Common Law, identifying points of convergence and divergence between the two systems. The main research question is: "On what principles is the dissolution of virtual contracts based, and what differences exist regarding its legal consequences?" The findings, obtained through a descriptive-analytical method and a comparative approach, indicate that Ja'fari jurisprudence grounds contract dissolution on the will of the parties and traditional rules of rescission (fasakh) and annulment (iqalah), allowing it only when there is a legal cause or mutual agreement. This approach emphasizes stability, certainty, and fidelity to contractual obligations while avoiding unnecessary interference in contractual relations. In contrast, English law, particularly in the context of electronic contracts, relies on the doctrine of "fundamental breach," enabling rapid and automatic dissolution of contracts in the event of a substantial breach, without requiring the consent of the other party or a lengthy proof process. This study demonstrates that while both systems uphold the principle of contractual obligation, they differ significantly in their treatment of exceptions and contract dissolution. These differences highlight the necessity of reviewing and updating domestic regulations to align with the realities of the virtual space and developments in electronic commerce, in a manner that preserves the principles of jurisprudence and fundamental values of Islamic law while facilitating secure and efficient digital transactions.

Keywords:

Virtual Contract Termination; Imamiyyah Jurisprudence; Common Law; Rescission; Electronic Contract.

Article Type: Research Article

How to Cite: Rajabloo, M., Gholamalizadeh, M. and Sadeghian Lamraski, M. (2025). Analysis of the Foundations and Legal Consequences of Virtual Contract Termination from the Perspective of Ja'fari Jurisprudence and Common Law. *Journal of Cyber Law (JOCL)*, 2(3), 20-49. doi: 10.22054/jocl.2025.813.2957

Journal of Cyber Law in Development and Evolution is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.

© Authors



*Corresponding Author: M_gholmalizadeh@pnu.ac.ir

تحلیل مبانی و پیامدهای حقوقی انحلال قراردادهای مجازی از منظر فقه امامیه و حقوق کامن لا

محسن رجبلو^۱، محمد غلامعلی زاده^{۲*}، محدثه صادقیان لمراسکی^۳

- ۱- دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
۲- استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.
۳- استادیار گروه حقوق، گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

چکیده

تحولات گسترده در فناوری اطلاعات، شکل‌گیری قراردادهای جدیدی در فضای مجازی را موجب شده است؛ قراردادهایی که بدون حضور فیزیکی طرفین منعقد می‌شوند و مسائل نوینی در انحلال و آثار حقوقی آن ایجاد کرده‌اند. یکی از چالش‌های مهم، بررسی مبانی انحلال این قراردادها و مقایسه رویکرد نظام‌های حقوقی مختلف است. هدف پژوهش حاضر، تحلیل مبانی و آثار حقوقی انحلال قراردادهای مجازی از منظر فقه امامیه و حقوق کامن لا و شناسایی نقاط اشتراک و افتراق این دو نظام است. سؤال اصلی این است که «انحلال قراردادهای مجازی بر چه اصولی استوار است و چه تفاوت‌هایی در آثار آن وجود دارد؟» یافته‌ها که با روش توصیفی تحلیلی و رویکرد تطبیقی به دست آمده، نشان می‌دهد فقه امامیه انحلال قرارداد را بر اراده طرفین و قواعد سنتی فسخ و اقاله استوار می‌کند و تنها در صورت وجود سبب قانونی یا توافق، امکان‌پذیر می‌داند. این رویکرد بر ثبات، اطمینان و وفای به عهد تأکید دارد و از مداخله غیر ضروری در روابط قراردادی پرهیز می‌کند. در مقابل، حقوق انگلستان، به ویژه در قراردادهای الکترونیکی، با تکیه بر نظریه «نقض بنیادین»، امکان انحلال سریع و خودکار قراردادها را در صورت نقض اساسی تعهد فراهم می‌سازد، بدون نیاز به رضایت طرف مقابل یا فرآیند طولانی اثبات. این بررسی نشان می‌دهد که هر دو نظام بر اصل لزوم قراردادهای تأکید دارند، اما در نحوه برخورد با استثناءها و انحلال قرارداد تفاوت‌های قابل توجهی دارند. این تفاوت‌ها ضرورت بازنگری و روزآمدسازی مقررات داخلی را برای تطابق با واقعیت‌های فضای مجازی و تحولات تجارت الکترونیک آشکار می‌سازد؛ به گونه‌ای که ضمن حفظ اصول فقهی و ارزش‌های بنیادین حقوق اسلامی، زمینه تسهیل و امنیت مبادلات دیجیتال نیز فراهم شود.

کلیدواژه‌ها:

انحلال قرارداد مجازی، فقه امامیه، حقوق کامن لا، فسخ، قرارداد الکترونیکی.

نوع مقاله: پژوهشی

نحوه استناد:

رجبلو، محسن، غلامعلی زاده، محمد و صادقیان لمراسکی، محدثه. (۱۴۰۴). تحلیل مبانی و پیامدهای حقوقی انحلال قراردادهای مجازی از منظر فقه امامیه و حقوق کامن لا. *حقوق سایبری*، ۲(۳)، ۲۰-۴۹.

نشریه حقوق سایبری در توسعه و تکامل تحت مجوز کرییتیو کامنز انتساب - غیر تجاری ۴٫۰ بین‌المللی منتشر شده است.

©نویسندگان



ایمیل نویسنده مسئول: M_gholmalizadeh@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، ساختار سنتی روابط حقوقی و اقتصادی را دگرگون ساخته و بستر تازه‌ای را برای انعقاد و اجرای قراردادها در فضای مجازی فراهم آورده است (خواججه‌زاده، ۱۴۰۴: ۳). در واقع، فضای سایبر به عنوان محیطی قانونی و حقوقی، مسئولیت‌های جدیدی برای تولیدکنندگان محتوا و پلتفرم‌ها ایجاد کرده است (یگانه‌پور قاسمی و نیک اندیش فراهانی، ۱۴۰۳: ۴).

چنین مسئولیت مهمی در فضای سایبری نیازمند مجموعه قوانین و مقررات کارآمدی است تا بتوان بر اساس آن، از حریم خصوص افراد حراست نمود زیرا، امنیت دیجیتال و حریم خصوصی کاربران بدون وجود قوانین مشخص و هماهنگ، آسیب پذیر بوده و این آسیب پذیری می‌تواند منجر به کاهش اعتماد عمومی، سوءاستفاده‌های تجاری و تهدیدات ملی شود (ظفرمرز و گلشن‌نژاد، ۱۴۰۴: ۲۲). طبیعتاً در چنین محیطی، مبادلات تجاری و تعهدات قراردادی دیگر محدود به حضور فیزیکی یا تعاملات کاغذی نیستند؛ بلکه در محیطی الکترونیکی، سریع، فرامرزی و پویا تحقق می‌یابند (کریمی و سینمیری، ۱۴۰۳: ۴). این تحولات موجب شده تا مفاهیم حقوقی کلاسیک مانند تشکیل، اجرای و به‌ویژه انحلال قراردادها، نیازمند بازخوانی و تفسیر جدیدی متناسب با واقعیت‌های دنیای دیجیتال باشند (آلوماری، ۲۰۲۵: ۵۲۲۸). از طرفی، با افزایش حجم قراردادهای الکترونیکی در حوزه‌های تجارت، خدمات، مالکیت فکری و حتی مبادلات مالی، پرسش از چگونگی پایان دادن به این قراردادها و آثار حقوقی ناشی از آن اهمیت فزاینده‌ای یافته است (گیمپاری، ۲۰۲۵: ۶). در واقع، با توجه به تحولات چشمگیری که فناوری اطلاعات در امر تجارت ایجاد کرده و دو ویژگی سرعت و سهولت را به آن داده است، دیگر لزومی ندارد که اشخاص به منظور مذاکره و تبادل اطلاعات در خصوص فعالیت‌های تجاری و انعقاد قرارداد موردنظر، در یک مجلس حاضر شوند؛ بلکه می‌توانند از طریق فناوری‌های نوین الکترونیکی، نظرات و پیشنهادهای خود را برای مخاطب ارسال کنند. طرف مقابل نیز می‌تواند از همین طریق پاسخ داده یا پیشنهاد جدیدی مطرح سازد. حال چنانچه از این طریق بین طرفین، عقدی تشکیل شود، از آن به‌عنوان «عقد بین غائبین» نام برده‌اند (ایزدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۸). بنابراین، در فضای مجازی، سرعت تعاملات و فقدان تماس مستقیم میان طرفین، ضرورت وجود سازوکارهای سریع، شفاف و قابل اعتماد برای انحلال قرارداد را دوچندان کرده است (عارفی، ۱۴۰۳: ۴۴). از این رو، بررسی مبانی نظری و اصول حاکم بر انحلال قراردادهای مجازی در نظام‌های مختلف حقوقی، نه تنها یک نیاز علمی بلکه ضرورتی عملی برای پاسخ‌گویی به چالش‌های تجارت الکترونیک است.

فقه امامیه و نظام حقوقی کامن‌لا هر یک چارچوبی مستقل و متفاوت برای تنظیم لزوم و انحلال قراردادها ارائه می‌کنند؛ اما هنگام ورود به حوزه قراردادهای دیجیتال و غیرحضوری، این چارچوب‌ها با محدودیت‌ها و چالش‌های جدی مواجه می‌شوند. در فقه امامیه، وفای به عهد و اصل لزوم، پایه‌ی نظام قراردادی است و انحلال قرارداد تنها از طریق اسباب مشخصی مانند فسخ، اقاله یا اعمال اختیارات ممکن می‌شود. این سازوکارها عمدتاً بر روابط حضوری و ساختارهای ثابت معاملاتی استوارند و کمتر به شرایطی توجه دارند که قرارداد در کسری از ثانیه شکل گرفته و اراده طرفین از طریق سامانه‌های دیجیتال ابراز می‌شود. در مقابل، حقوق کامن‌لا با مفاهیمی همچون فسخ در صورت نقض اساسی و نظریه «نقض بنیادین»، انعطاف و سرعت واکنش لازم برای انحلال قراردادها در محیط‌های دیجیتال را فراهم می‌آورد؛ به ویژه

در قراردادهای مبتنی بر خدمات آنلاین، داده یا تعاملات پلتفرمی که اختلال سیستم یا نقض امنیت اطلاعات می‌تواند آثار فوری داشته باشد. مسأله اصلی پژوهش، بررسی راهکارهای عملی برای هماهنگی اصول فقه امامیه، مبتنی بر ثبات و اسباب مشخص انحلال، با الزامات انعطاف‌پذیر و سریع قراردادهای دیجیتال است. در واقع، پژوهش می‌کوشد نشان دهد چگونه می‌توان چارچوب‌های سنتی قرارداد، وفای به عهد و اختیارات را با نیاز به واکنش سریع، احراز نقض دیجیتال و مدیریت اراده غیرحضوری ترکیب کرد. دشواری‌هایی مانند تعیین اراده طرفین در معاملات غیرحضوری، زمان و مکان انعقاد، شیوه احراز نقض در محیط دیجیتال، اعمال اختیارات لحظه‌ای و تشخیص «نقض بنیادین» در خدمات نرم‌افزاری، از جمله چالش‌هایی هستند که ضرورت این پژوهش را برجسته می‌کنند. با این مقدمات، مساعی نویسندگان در پژوهش حاضر بحث و تحلیل مبانی و آثار حقوقی انحلال قراردادهای مجازی از منظر فقه امامیه و حقوق کامن‌لا است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: «انحلال قراردادهای مجازی در فقه امامیه و حقوق کامن‌لا بر چه مبانی استوار است و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در آثار حقوقی ناشی از آن وجود دارد؟»

۱- مفاهیم و نظریه‌های مرتبط با مفهوم انحلال قراردادهای مجازی

۱-۱- مفهوم «اجرای فوری تعهد» در فقه امامیه

اجرای فوری تعهد در فقه امامیه به معنی الزام متعهد به ایفای تعهد (اغلب به صورت «اجرای عین تعهد» یا تحویل مورد تعهد) در اسرع وقت و بدون الزام مطلق به مطالبه است؛ مشهور فقهای امامیه اجرای عین را بر جبران خسارت مقدم می‌دانند، اما این امکان مشروط به قابلیت انجام، نبود موانع شرعی یا قهری و رعایت انصاف و مصلحت است (اژدری، ۱۴۰۳: ۵۸-۶۱). در این رابطه، مطالعاتی نوین در فقه امامیه بر اصل «اجرای فوری تعهد قراردادی» تأکید دارند؛ بر اساس این دیدگاه، پس از تشکیل قرارداد باید تعهد بدون تأخیر عرفی اجرا شود، مگر آنکه موجب زیان نامتعارف برای متعهدله گردد. این نظریه نشان می‌دهد که فقه امامیه می‌تواند با نگرش مدرن، ثبات قراردادهای دیجیتال را تضمین کند و نیاز به انتظار غیرضروری در فضای الکترونیکی را کاهش دهد. (عارفی، ۱۴۰۳: ۵۰-۴۸).

۱-۲- مشروعیت قراردادهای هوشمند از منظر فقه اسلامی

در فقه اسلامی، مشروعیت قراردادهای هوشمند^۱ وابسته به رعایت اصول عمومی معاملات مانند رضایت طرفین، اهلیت، معلوم بودن عوضین، و نبود غرر و ربا است. اگرچه این قراردادها به صورت خودکار و مبتنی بر کد اجرا می‌شوند، ماهیت آنها در حکم یک ایجاب و قبول دیجیتال تلقی شده و در صورت شفافیت مفاد و عدم ابهام، می‌توانند صحیح باشند (احمدان، ۲۰۲۴: ۱۵۰-۱۵۴). در نتیجه، قرارداد هوشمند در صورت رعایت این اصول، می‌تواند از منظر فقه اسلامی مشروع تلقی شود (قیاسی فر و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۴-۱۷). در این رابطه برخی حقوقدانان اسلامی سه روش برای فسخ یا انحلال قرارداد هوشمند پیشنهاد نموده‌اند. استفاده از فناوری یادگیری عمیق، شرط تجدید مذاکره و یک «قرارداد لغو^۳ فقهی». این رویکرد نشان می‌دهد که با تلفیق تکنولوژی بلاک‌چین با اصول شریعت، امکان انحلال هوشمندانه قراردادهای دیجیتال وجود دارد (الاماری، ۲۰۲۵: ۵۲۳۳-۵۲۳۶).

۱-۳- اخذ رضایت در قراردادهای دیجیتال از طریق امضای الکترونیکی

¹ Smart Contracts

² Ahmad

³ Cancellation contract

⁴ Alomari

در فقه امامیه «رضایت» رکن اصلی هر عقد است و آنچه اعتبار دارد تحقق قصد و رضای طرفین است، نه شکل خاص ابراز آن. بنابراین اگر امضای الکترونیکی یا هر نوع «تأیید دیجیتال» (کلیک، رمز یکبار مصرف، توکن و...) به طور متعارف کاشف از قصد انشاء و رضایت معتبر باشد و امکان انتساب آن به شخص احراز شود، از نظر فقهی می‌تواند جایگزین امضای سنتی و بیان شفاهی گردد (قیاسی فر و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۴-۲۶). فقهای امامیه با استناد به قاعده «الوفاء بالعقود»، بنای عقلا و سیره عرف در توسعه ابزارهای ابراز اراده را کافی می‌دانند؛ لذا قرارداد دیجیتال در صورتی که هویت و رضایت طرف احراز شود، صحیح و لازم‌الوفاء محسوب می‌شود (وفادار و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۱۰-۶۱۳). در این رابطه برخی از حقوقدانان اسلامی به این نتیجه دست یافتند که اکثر فعالان قراردادهای دیجیتال امضای الکترونیکی را به عنوان نمایانگر اراده‌گذاری و رضایت کامل می‌پذیرند (فایزین ۱ و همکاران، ۲۰۲۵: ۳۸۷-۳۸۹). این نظریه به فقه قراردادی کمک می‌کند تا ابزارهای مدرن (امضای دیجیتال) را به صورت سازگار با اصول سنتی اسلام بپذیرد.

۱-۴- مشروعیت قراردادهای هوشمند بر اساس شریعت اسلامی: قراردادهای هوشمند در فقه امامیه از حیث «مشروعیت» قابل بررسی‌اند. اگر ارکان عقد (ایجاب و قبول، اهلیت، مشروعیت موضوع و عدم ارتکاب به ربا/غرر/مفاسد) در آنها محقق شود و نحوه اجرا و انتساب اراده به طرفین احراز گردد، از منظر فقهی می‌توان مشروعیت را پذیرفت؛ اما چالش‌هایی مانند عدم قابلیت اصلاح^۳، خطای فنی، و رابطه آنها با ارزشهای دیجیتال که خود مسائل فقهی جدا دارد، نیازمند احتیاط و وضع ضوابط اجرایی است (تاج لنگرودی، ۱۴۰۴: ۷۸-۸۱). در این رابطه برخی از حقوقدانان معاصر اسلامی به این نتیجه دست یافتند که این قراردادها با اصول شریعت قابل جمع‌اند و می‌توانند به‌عنوان عقود دیجیتال مشروع در نظر گرفته شوند، به شرط رعایت کنترل‌های فقهی مناسب (عطیه ۴ و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۶۰-۱۶۴).

۲- تحلیل مبانی و آثار حقوقی انحلال قراردادهای مجازی از منظر فقه امامیه

فقه امامیه به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فقه اسلامی، بر اساس منابع معتبر دینی شامل قرآن، سنت پیامبر و اجماع فقهاء، نظامی دقیق برای تنظیم معاملات و قراردادها ارائه کرده است. یکی از مبانی اساسی در فقه امامیه، اصل لزوم قراردادها و وفای به عهد است^۵. این اصل نشان می‌دهد که تعهدات قراردادی دارای ثبات و اعتبار بالایی هستند و طرفین موظف‌اند به آن پایبند باشند. وفای به عهد در فقه امامیه نه تنها یک الزام اخلاقی بلکه یک قاعده حقوقی است که بر همه معاملات اعم از خرید و فروش، اجاره، مشارکت و قراردادهای خدماتی اعمال می‌شود (فلاحی، ۱۴۰۱: ۱۳).

۳-۱- مبانی لزوم قراردادها در فقه امامیه

اصل لزوم قراردادها در فقه امامیه مبتنی بر دو رکن اساسی است. اراده طرفین و تعهد به وفای به عهد. این اصل نشان می‌دهد که قراردادها نه صرفاً توافق‌های موقت، بلکه تجلی اراده و اراده مشترک افراد برای ایجاد تعهدات حقوقی و اجتماعی هستند (بجنوردی و فلاح‌پیشه، ۱۴۰۲: ۲۹۲). از دیدگاه فقهی، هنگامی که دو یا چند نفر قراردادی منعقد می‌کنند، این توافق باعث ایجاد تعهداتی می‌شود که لازم‌الاتباع بوده و تخطی از آن مستلزم مسئولیت حقوقی و شرعی است. در حقیقت، قراردادها در فقه امامیه به مثابه ابزارهایی برای تضمین نظم اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شوند و اعتبار آنها با اراده طرفین و رعایت وفای به عهد حفظ می‌شود (باقری اصل، ۱۴۰۳: ۵۹).

¹ Faizin

² smart contracts

³ Immutability

⁴ Atiyah

نظریه‌های کلاسیک فقه امامیه، از جمله قاعده مشهور «العقد لازم ما لم یحلله السبب»، بر این نکته تأکید دارند که هر قرارداد در صورت نبود دلیل مشروع یا قانونی برای انحلال، الزام‌آور است (علامه حلی، ۱۴۲۶: ۱۷۸-۱۷۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۴۱: ۲۹۴-۲۹۵؛ انصاری، ۱۴۴۱: ۲۱۴؛ علم الهدی، ۱۴۲۹: ۲۲۶). به عبارت دیگر، قراردادهای تنها زمانی قابل فسخ یا انحلال هستند که یا سبب قانونی مشخصی وجود داشته باشد، یا طرفین با توافق متقابل تصمیم به پایان قرارداد گرفته باشند (رستمی، ۱۴۰۳: ۷۱-۷۲). سایر قواعد مرتبط با وفای به عهد نیز تأکید می‌کنند که رعایت تعهدات قراردادی نه تنها یک الزام حقوقی، بلکه یک مسئولیت اخلاقی و اجتماعی نیز هست و تخطی از آن می‌تواند پیامدهای مالی و اجتماعی گسترده‌ای داشته باشد. اهمیت این اصل در فقه امامیه را می‌توان در چند سطح مورد بررسی قرار داد:

۱. از منظر اقتصادی، اصل لزوم قراردادهای ثابت بازار و اعتماد اقتصادی را تضمین می‌کند. در صورتی که قراردادهای به سهولت قابل فسخ باشند، طرفین معامله نمی‌توانند به تعهدات یکدیگر اعتماد کنند و این بی‌اعتمادی باعث کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش مشارکت‌های تجاری و اختلال در جریان معاملات می‌شود.

۲. از نظر اجتماعی و حقوقی، این اصل مانع از هرج‌ومرج و بی‌ثباتی در مناسبات حقوقی می‌شود و اطمینان می‌دهد که توافقات قانونی و مشروع، تا زمان تحقق شرط انحلال یا توافق طرفین معتبر و قابل اجرا باقی می‌مانند.

۳. از منظر عملی، این اصل در معاملات حیاتی و بلندمدت اهمیت ویژه‌ای دارد. قراردادهایی که شامل مشارکت‌های تجاری بزرگ، پروژه‌های سرمایه‌گذاری، قراردادهای خرید و فروش کلان و قراردادهای خدماتی گسترده هستند، بدون وجود اصل لزوم، با ریسک بالای بی‌ثباتی و تخلف مواجه خواهند شد. به همین دلیل، فقه امامیه با تأکید بر ثبات قراردادهای، چارچوبی فراهم می‌کند که طرفین بتوانند با اطمینان و پیش‌بینی‌پذیری کامل، منابع مالی و انسانی خود را مدیریت کنند (حسینی حائری، ۱۴۳۳: ۱۱۷-۱۲۴).

علاوه بر این، اصل لزوم قراردادهای در فقه امامیه حمایت از حقوق طرفین را نیز تضمین می‌کند. به این معنا که هر طرف معامله از اجرای تعهدات طرف مقابل اطمینان دارد و تنها در صورت تحقق شرایط قانونی مشخص، می‌تواند نسبت به فسخ یا انحلال اقدام کند. این سازوکار، مانع سوءاستفاده و اقدامات خودسرانه می‌شود و به پایداری روابط اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۲: ۶۱-۶۳). در محیط‌های امروزی، به ویژه در قراردادهای غیرحضور و فضای مجازی، این اصل می‌تواند پایه‌ای برای تحلیل حقوقی و ایجاد چارچوب‌های امن در معاملات آنلاین باشد (احمدی‌فر، ۱۴۰۳: ۹۶-۱۰۰). در نهایت، می‌توان گفت که اصل لزوم قراردادهای در فقه امامیه، پیوندی میان اراده طرفین، امنیت حقوقی، ثبات اقتصادی و اخلاق اجتماعی ایجاد می‌کند. این اصل نه تنها از قراردادهای در برابر بی‌ثباتی محافظت می‌کند، بلکه اطمینان می‌دهد که معاملات، حتی در شرایط پیچیده و بلندمدت، بر اساس اصول عدالت، وفای به عهد و احترام به اراده طرفین انجام شود (سیاری و غلامی، ۱۴۰۲: ۴۱-۴۳). بدین ترتیب، فقه امامیه با تأکید بر این رکن اساسی، یک چارچوب حقوقی مستحکم و قابل اتکا برای مدیریت قراردادهای فراهم می‌آورد که هم در محیط سنتی و هم در فضای نوین دیجیتال کاربرد دارد.

۳-۲- مبانی و رویکردهای فقه امامیه در راستای تحقق ثبات و اطمینان در قراردادهای مجازی

فقه امامیه پنج مبنای مهم را در راستای تحقق ثبات و اطمینان در «قراردادهای مجازی / الکترونیکی» مورد تأکید قرار داده است که عبارتند از:

۱. اصل اجرای فوری تعهد^۱: فقه امامیه بر «اجرای فوری تعهد قراردادی» تأکید دارد؛ این یعنی طرفین عقد نباید برای مطالبه اجرای تعهد منتظر زمان نامعلوم بمانند. این اصل موجب ثبات بیشتر قرارداد می‌شود، چون طرف متعهد بداند که اجرای تعهد، فوراً ممکن و الزامی است (قاسم‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۰۷-۱۱۰).
۲. قدرت بر تسلیم^۲: فقه امامیه مفهوم «قدرت بر تسلیم» را به صورت عام به کار می‌برد؛ یعنی متعهد باید توانایی تسلیم شدن مورد تعهد را داشته باشد تا قرارداد قابلیت اجرایی شدن داشته باشد (شفیعی‌نسب و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۱۷-۷۱۹). این قدرت بر تسلیم، در قراردادهای مجازی نیز کاربرد دارد. در معاملات الکترونیکی، تسلیم به معنای انتقال دیجیتال (مثلاً داده یا سند الکترونیکی) باید به گونه‌ای باشد که طرف مقابل بتواند آن را دریافت و تصرف کند، و فقه امامیه این عنصر را به رسمیت می‌شناسد (حیاتی، ۱۴۰۳: ۶۷-۷۰). پذیرش این اصل باعث می‌شود که قراردادهای الکترونیکی، علی‌رغم ماهیت غیر فیزیکی، از لحاظ فقهی مشابه تسلیم در معاملات سنتی محسوب شوند و در نتیجه اطمینان بیشتری را برای متعاملین فراهم نمایند.
۳. قصد و ابراز اراده (قصد و رضا) در فقه امامیه، قصد (قصد واقعی برای انعقاد عقد) و رضا (ابراز اراده به شکلی واضح) جزء شروط بنیادین صحت عقد هستند (مظاهری و خادمی کوشا، ۱۳۹۷: ۳۱-۳۴). در قراردادهای الکترونیکی نیز، شرط قصد مهم است؛ بنابراین بایستی اذعان داشت بر اساس مبانی فقهی، ایجاد قصد فقط به نحوی فیزیکی نیست، بلکه در فضای مجازی با ابزارهای الکترونیکی نیز قابل تحقق است، مشروط بر اینکه طرفین بتوانند اراده‌شان را صریحاً ابراز کنند (فیروزگاه و همکاران، ۱۴۰۵: ۴-۷). این موضوع به افزایش اطمینان کمک می‌کند، چون امکان جعل اراده کاهش می‌یابد و طرفین مطمئن‌تر هستند که ایجاب و قبول آن‌ها واقعاً معنادار بوده است.
۴. قبض و تسلیم در قرارداد الکترونیکی: قبض (تصرف عینی یا استیلا بر موضوع معامله) یکی از ارکان عقد در فقه امامیه است. در فضای الکترونیکی، «تسلیم» همان تحویل دیجیتال به حساب‌های الکترونیکی یا پایگاه داده طرف متعاقد است (حسینی و معصومی، ۱۴۰۴: ۱۳۸-۱۴۱). تسلیم دیجیتال، اگر به صورت صحیح صورت گیرد (به نحو پذیرش طرف مقابل)، منطبق با فقه امامیه است و می‌تواند به صورت قانونی و شرعی مشروع تلقی شود. چنین قاعده‌ای، ثبات حقوقی قراردادهای مجازی را تضمین می‌کند، زیرا طرفین می‌دانند که «تحویل دیجیتال» می‌تواند جایگزین تحویل فیزیکی شود و فقه آن را قبول دارد (شفیعی‌نسب و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۱۷-۷۱۹).
۵. قاعده شرط ضمن عقد^۳: در فقه امامیه، شرط ضمن عقد (یعنی شروطی که در متن عقد درج می‌شوند یا از عرف و وضعیت استخراج می‌شوند) جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌تواند در قراردادهای الکترونیکی نیز به کار رود (باحقیقت ماجیان، ۱۴۰۴: ۶۹۳-۶۹۶). شرط ضمنی باعث می‌شود که توافقات قراردادی دقیق‌تر و شفاف‌تر شود و خطر ابهام کاهش یابد؛ این شفافیت از مهم‌ترین مولفه‌های اطمینان در قراردادهای مجازی است. از طرفی، فقه امامیه به شرط‌هایی توجه دارد که از عرف یا روال معاملات ناشی می‌شوند؛ در فضای مجازی، عرف قراردادها (مثل رویه‌های تجاری دیجیتال) می‌تواند پایه فقهی شرط ضمنی قرار گیرد، که باز هم ثبات بیشتری در انعقاد قرارداد فراهم می‌آورد (ذوالقدر و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۱-۱۱۳).

¹ Immediate Performance

² Ability to Deliver

³ Conditions

بنابراین باید توجه نمود که در نهایت، مبانی فقه امامیه (اجرای فوری، قدرت بر تسلیم، قصد و اراده، قبض دیجیتال، شرط ضمنی) به صورت ترکیبی می‌تواند تضمین‌دهنده ثبات و اطمینان در قراردادهای الکترونیکی باشند، زیرا فقه شیعه با انعطاف‌پذیری، تحلیل مفهومی و پذیرش شرایط نوظهور توانسته است اصول سنتی را با فضای نوین دیجیتال منطبق کند.

۳-۳- ابزارهای انحلال قرارداد در فقه امامیه

با وجود تأکید بر اصل لزوم، فقه امامیه ابزارهایی برای انحلال قراردادها در شرایط خاص فراهم کرده است. مهم‌ترین این ابزارها عبارتند از:

الف) فسخ: فسخ یکی از ابزارهای قانونی انحلال قرارداد است که به طرفین اجازه می‌دهد در صورت تحقق شرط یا وقوع سبب مشخص، قرارداد را پایان دهند. این ابزار به‌ویژه در شرایطی اهمیت پیدا می‌کند که موضوع معامله دچار نقص یا ایراد شود، انجام تعهد غیرممکن گردد یا شرایط قراردادی خاصی برای فسخ پیش‌بینی شده باشد (آریافر، ۱۴۰۳: ۴۵-۴۶). فسخ به دو نوع اصلی تقسیم می‌شود. فسخ به اراده شخصی و فسخ به سبب قانونی. فسخ به اراده شخصی زمانی اعمال می‌شود که طرفین خود، بدون نیاز به حکم قضایی، تصمیم به پایان قرارداد بگیرند. در مقابل، فسخ به سبب قانونی زمانی به کار می‌رود که قوانین یا احکام شرعی، وجود دلیل مشروع برای انحلال قرارداد را پیش‌بینی کرده باشند (شعبان‌نیا منصور و همکاران، ۱۴۰۴: ۹۹-۱۰۰). این تقسیم‌بندی، امکان کنترل و پیش‌بینی حقوقی را فراهم می‌کند و از سوءاستفاده احتمالی جلوگیری می‌نماید. در فضای معاملات سنتی، فسخ ابزاری است که ضمن حفظ اصل لزوم، انعطاف لازم برای مواجهه با شرایط غیرمنتظره و مشکلات عملی را فراهم می‌کند و اعتماد طرفین به قراردادها را تقویت می‌کند (عظیمی‌منش و همکاران، ۱۴۰۵: ۱۴-۱۶).

ب) اقاله: اقاله، به معنای توافق متقابل طرفین برای پایان دادن به قرارداد است و نمونه‌ای بارز از نقش اراده مشترک در فقه امامیه به شمار می‌رود (حرعاملی، ۱۴۳۶، ج ۱۷: ۳۸۶). این ابزار انعطاف محدودی به طرفین می‌دهد، زیرا پایان قرارداد صرفاً بر پایه توافق مشترک طرفین صورت می‌گیرد و هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند بعداً نسبت به تعهدات گذشته اعتراض کند. اقاله، علاوه بر حل اختلافات احتمالی، به عنوان مکانیسم صلح‌آمیز و مبتنی بر رضایت طرفین عمل می‌کند و نشان می‌دهد که فقه امامیه ضمن احترام به اصل لزوم قراردادها، به همکاری و توافق متقابل نیز اهمیت می‌دهد (نجفی جواهری، ۱۴۳۸، ج ۳۷: ۳۹۴-۳۹۵). در معاملات پیچیده و بلندمدت، اقاله امکان مدیریت تغییر شرایط و انعطاف در روابط اقتصادی را فراهم می‌آورد، بدون آنکه اصول ثبات و وفای به عهد آسیب ببیند.

ج) خیار: خیار، اختیارات خاصی هستند که به طرفین اجازه می‌دهند در شرایط مشخص، قرارداد را فسخ کنند و انعطاف محدود اما ضروری در فقه امامیه ایجاد می‌کنند (ممینی، ۱۴۰۳: ۸۱-۸۴). سه نوع اصلی خیار عبارتند از:

۱. خیار عیب: به طرفین اجازه می‌دهد در صورت وجود نقص یا ایراد در موضوع معامله، قرارداد را فسخ کنند. این خیار تضمین می‌کند که معامله بر پایه شرایط مطلوب و مشروع انجام شود و طرف زیان‌دیده بتواند از حق قانونی خود استفاده نماید (عباس‌نژاد، ۱۴۰۳: ۶۶-۶۹).

۲. خیار مجلس: اختیار فسخ قرارداد در همان جلسه انعقاد قرارداد را فراهم می‌کند و به طرفین اجازه می‌دهد قبل از تثبیت کامل معامله، تصمیم به ادامه یا انصراف بگیرند. این خیار به ویژه در شرایطی اهمیت دارد که طرفین نیازمند بررسی بیشتر شرایط معامله باشند یا اطلاعات کافی درباره موضوع قرارداد نداشته باشند (رئسی، ۱۴۰۳: ۲۱-۲۳؛ همچنین ایزدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۹).

۳. خیار شرط: مبتنی بر شرط قراردادی است و به طرفین اجازه می‌دهد قراردادی را که دارای شرایط خاصی برای فسخ است، پایان دهند. این نوع خیار، امکان پیش‌بینی و مدیریت ریسک‌های احتمالی را در قراردادها فراهم می‌آورد و نشان‌دهنده انعطاف محدود فقه امامیه در مواجهه با شرایط غیرمنتظره است (صفایی، ۱۴۰۴: ۲۱۳-۲۲۲؛ همچنین؛ کاتوزیان، ۱۴۰۳: ۳۴۲-۳۵۴).

این سازوکارها ضمن حفظ اصل لزوم قراردادها، به طرفین اجازه می‌دهند در شرایط خاص و اضطراری، تصمیم به فسخ یا انحلال بگیرند. بدین ترتیب، فقه امامیه تلاش می‌کند ثبات و وفای به عهد را با انعطاف محدود برای مواجهه با شرایط غیرمنتظره تلفیق کند و زمینه‌ای برای اطمینان حقوقی و اقتصادی فراهم آورد.

۳-۴- آثار حقوقی انحلال قرارداد در فقه امامیه

در فقه امامیه، انحلال قرارداد نه تنها به معنای پایان یافتن رابطه‌ی حقوقی میان طرفین است، بلکه آثاری حقوقی و مالی به دنبال دارد که باید به‌طور دقیق و منصفانه اجرا شود (خمینی، ۱۴۴۳: ۶۴-۶۵). آثار انحلال را می‌توان در سه محور اصلی خلاصه کرد: بازگشت اموال و منافع، مسئولیت‌های متقابل طرفین، و جبران خسارات در صورت وجود تقصیر یا تعدی.

۳-۳-۱- بازگشت اموال و منافع (استرداد عوضین)

اصلی‌ترین اثر انحلال قرارداد، بازگرداندن هر آنچه در نتیجه عقد منتقل شده است، به حالت پیش از انعقاد قرارداد است. بر اساس قاعده «تلف مبیع قبل القبض من مال بایعه» و نیز قاعده «الناس مسلطون علی أموالهم»، هر یک از طرفین موظف است عوضی را که دریافت کرده، به صاحب اصلی آن بازگرداند (مدرسی، ۱۳۹۹: ۲۵۳-۲۵۴). این بازگشت می‌تواند شامل پول، کالا، منافع یا خدمات باشد. در فقه امامیه، اگر انحلال ناشی از فسخ باشد، اثر آن قهقرایی نیست، بلکه از زمان فسخ به بعد معتبر است؛ به عبارت دیگر، قرارداد تا پیش از فسخ صحیح بوده و آثار آن پابرجاست. اما اگر انحلال ناشی از اقاله باشد، بنا بر دیدگاه مشهور فقها، اثر آن قهقرایی (از ابتدا) است؛ یعنی گویی عقد از ابتدا منعقد نشده است و طرفین باید همه چیز را به وضعیت پیشین بازگردانند. این تمایز فقهی اهمیت زیادی در تعیین مسئولیت‌ها و نحوه بازپرداخت عوضین دارد (صفایی و فلاحی شهاب‌الدینی، ۱۴۰۲: ۸۸-۸۹). در فضای مجازی نیز، همین قاعده جاری است؛ با این تفاوت که بازگشت اموال ممکن است به صورت داده‌های دیجیتال، رمزارزها، یا اعتبارات الکترونیکی انجام گیرد. به عنوان نمونه، اگر خریدار در یک قرارداد آنلاین، کالای دیجیتالی معیوب دریافت کند و قرارداد را فسخ نماید، فروشنده موظف است مبلغ پرداختی را بازگرداند و خریدار نیز فایل یا دسترسی دیجیتال را لغو کند (آریافر، ۱۴۰۳: ۴۹-۵۳). فقه امامیه در این زمینه با تکیه بر اصول عام مانند «رد مال غیر» و «حرمت اکل مال به باطل»، قابلیت تطبیق با فضای دیجیتال را داراست.

۳-۳-۲- مسئولیت‌های متقابل طرفین پس از انحلال

پس از انحلال قرارداد، مسئولیت‌های جدیدی برای طرفین ایجاد می‌شود که هدف آن حفظ عدالت قراردادی و جلوگیری از زیان ناعادلانه است. در فقه امامیه، اصل بر این است که اگر یکی از طرفین اموال یا منافع دیگری را بدون استحقاق در اختیار داشته باشد، باید آن را بازگرداند و در صورت استفاده از آن، ضمان منافع مستوفات و غیرمستوفات بر عهده او خواهد بود (خوئی، ۱۴۳۴: ۱۶۳-۱۶۵). به عنوان مثال، اگر یکی از طرفین در فاصله میان انعقاد عقد و فسخ، از مال یا منافع موضوع قرارداد بهره‌برداری کرده باشد، باید معادل ارزش آن را جبران کند. همچنین اگر در تأخیر در بازگرداندن مال یا مبلغ، خسارتی به طرف دیگر وارد شود، مسئولیت آن بر عهده متخلف است (تیموری، ۱۴۰۴: ۱۰۲-۱۰۳).

۱۰۷). در فضای دیجیتال، این مفهوم می‌تواند به استفاده غیرمجاز از داده‌ها، نقض حریم خصوصی یا بهره‌برداری از محتوای الکترونیکی پس از فسخ قرارداد تسری یابد. فقه امامیه با تکیه بر قاعده‌ی «ضمان ید» (کلّ یدٍ تصرّف فی مال الغیر بغیر اِذنه فهو ضامن) چنین مواردی را نیز شامل می‌داند و بدین‌سان چارچوبی اخلاقی و حقوقی برای تنظیم روابط الکترونیکی فراهم می‌کند (احمدی حصار و همکاران، ۱۴۰۴: ۴-۶).

۳-۳-۳- جبران خسارات ناشی از تقصیر یا تعدی

یکی دیگر از آثار انحلال، جبران خساراتی است که ناشی از تقصیر یا تخلف یکی از طرفین است. در فقه امامیه، اصل بر عدم ضمان در صورت عدم تقصیر است، مگر آنکه تعدی یا تفریط محقق شود. در صورت وقوع چنین تخلفی، قاعده‌ی «من أتلّف مال الغیر فهو له ضامن» (هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن است) جاری می‌شود و شخص متخلف باید خسارت وارده را جبران کند (آملی طبری، ۱۴۲۲، ج ۱: ۷۴-۷۶). این اصل در فضای قراردادهای مجازی نیز کارآمد است. برای مثال، اگر یکی از طرفین به علت بی‌دقتی یا نقض امنیت داده‌ها باعث خسارت به طرف مقابل شود، از منظر فقهی ضامن است و باید ضرر را جبران کند. در این حالت، فقه امامیه ضمن حفظ اصل لزوم، راهکار جبران خسارت را برای احقاق حق زیان‌دیده فراهم می‌کند.

۳-۳-۴- استمرار تعهدات جانبی پس از انحلال

نکته قابل توجه در فقه امامیه این است که برخی تعهدات حتی پس از انحلال قرارداد، همچنان باقی می‌مانند. برای مثال، تعهد به عدم افشای اطلاعات، رعایت امانت، یا حفظ منافع مشترک تا زمان تصفیه کامل قرارداد، از تعهدات مستمر محسوب می‌شوند (خمینی، ۱۴۴۳: ۱۰۸-۱۱۰). این موضوع در قراردادهای دیجیتال، که اغلب شامل انتقال داده‌های حساس یا مالکیت فکری است، اهمیتی دوچندان دارد بنابراین، انحلال قرارداد به معنای پایان کامل رابطه حقوقی نیست، بلکه ممکن است برخی تعهدات فرعی همچنان به قوت خود باقی بمانند.

۳-۳-۵- آثار اجتماعی و اقتصادی انحلال قرارداد

از منظر کلان، فقه امامیه با تأکید بر ثبات قراردادهای محدود کردن انحلال به موارد مشروع، در پی حفظ نظم اقتصادی و اعتماد عمومی در معاملات است. اگر انحلال بدون ضابطه و گسترده مجاز باشد، امنیت معاملات کاهش یافته و بی‌اعتمادی در روابط اقتصادی گسترش می‌یابد. بنابراین، رویکرد فقه امامیه، ضمن پذیرش انحلال در شرایط استثنایی، تعادل میان ثبات حقوقی و انعطاف عملی را برقرار می‌سازد (حائری حسینی، ۱۴۳۵، ج ۱: ۱۸۹-۱۹۰). در معاملات فضای مجازی نیز، این ثبات نقش مهمی در تقویت اعتماد کاربران، کاهش دعاوی و پیشگیری از کلاهبرداری‌های دیجیتال دارد. به طور کلی، آثار انحلال قرارداد در فقه امامیه نه تنها ناظر بر بازگرداندن اموال و رفع تعهدات است، بلکه بُعد اخلاقی و عدالت‌محور نیز دارد. این نظام فکری با تأکید بر وفای به عهد، رضایت طرفین و جبران خسارت، الگویی منسجم برای تنظیم روابط در دنیای امروز ارائه می‌دهد (نیک‌نژاد، ۱۴۰۴: ۸۷۳-۸۷۷). هرچند فضای مجازی ویژگی‌های خاصی مانند سرعت معاملات، تنوع طرفین و ماهیت غیرمادی اموال را دارد، اما اصول بنیادین فقه امامیه همچنان قابل تطبیق و راهگشا هستند.

۳-۵- چالش‌های انحلال قراردادهای مجازی در فقه امامیه

با توجه به ماهیت دیجیتال قراردادهای مجازی، برخی چالش‌ها در انطباق قواعد فقهی با فضای مجازی مشاهده می‌شود:

-سرعت و حجم بالای معاملات: یکی از ویژگی‌های اساسی فضای مجازی، سرعت بالا و حجم گسترده‌ی معاملات اقتصادی و قراردادی است. در بسترهای دیجیتال، ممکن است در عرض چند ثانیه، صدها یا حتی هزاران قرارداد به صورت خودکار میان کاربران، شرکت‌ها و سامانه‌های هوشمند منعقد شود. در چنین فضایی، فرآیندهای سنتی مانند بررسی دقیق شروط، اعمال فسخ یا اجرای اقاله با چالش جدی روبه‌رو می‌شوند. در فقه امامیه، انحلال قرارداد معمولاً فرآیندی آگاهانه و ارادی است که بر قصد و رضایت طرفین استوار است (صدقی، ۱۴۰۳: ۴۱-۴۳). اما در فضای دیجیتال، بسیاری از قراردادها به صورت خودکار یا از طریق الگوریتم‌های هوشمند بسته می‌شوند، به گونه‌ای که طرفین حتی از جزئیات دقیق آن در لحظه انعقاد آگاه نیستند. این امر، مدیریت فسخ و اقاله را دشوار می‌سازد، زیرا اعمال این حقوق نیازمند احراز قصد، آگاهی، و اعلام صریح اراده است (شفیعی‌نسب و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۲۶-۷۳۰). بنابراین، یکی از چالش‌های اصلی در تطبیق فقه امامیه با فضای دیجیتال، تعیین مبنای اراده و نحوه تحقق رضایت در قراردادهای هوشمند است. با وجود این، اصول کلی فقه مانند «الناس مسلطون علی اموالهم» و «اوفوا بالعقود» قابلیت انطباق با فناوری‌های نوین را دارند و می‌توانند مبنایی برای طراحی سامانه‌های حقوقی هوشمند فراهم کنند که در آن‌ها اراده طرفین به شکل الکترونیکی معتبر شناخته شود.

-عدم حضور فیزیکی طرفین: فقه امامیه در بخش قابل توجهی از مباحث خود، مبتنی بر تعامل مستقیم و حضور فیزیکی طرفین در زمان انعقاد قرارداد است. برای مثال، نهادهایی مانند خیار مجلس که بر حضور دو طرف در مکان واحد و امکان رجوع تا زمان جدایی فیزیکی استوار است، در محیط‌های الکترونیکی که تعامل‌ها از راه دور و در بستر دیجیتال صورت می‌گیرد، دیگر معنای سنتی خود را از دست می‌دهد (جعفری و جوانمردی، ۱۴۰۳: ۶۷-۷۰). در قراردادهای مجازی، «مجلس عقد» به صورت مجازی، از طریق پیام‌رسان‌ها، پلتفرم‌های فروش، ایمیل یا سامانه‌های هوشمند شکل می‌گیرد. از این رو، مفهوم «جدایی از مجلس» باید بازتعریف شود. برخی از فقها معتقدند که در چنین شرایطی، می‌توان ملاک فقهی مجلس را به اتمام ارتباط الکترونیکی یا خروج از سامانه قرارداد تفسیر کرد. این تفسیر پویا، راه را برای استمرار کارآمدی قواعد فقهی در محیط‌های جدید هموار می‌کند. علاوه بر این، ابزارهای سنتی فسخ یا اقاله که معمولاً نیازمند گفت‌وگوی مستقیم یا تبادل سند فیزیکی بودند، در فضای دیجیتال می‌توانند از طریق اعلام اراده در پلتفرم‌ها، امضای دیجیتال یا ارسال پیام رمزنگاری شده تحقق یابند (ارزانی، ۱۴۰۳: ۱۰۸-۱۱۱). این موارد نشان می‌دهد که فقه امامیه با حفظ اصول خود، قابلیت انعطاف مفهومی و اجرایی در برابر فناوری‌های نوین را دارد و می‌تواند با تفسیری اصولی اما روزآمد، پاسخگوی نیازهای عصر دیجیتال باشد.

-پیچیدگی موضوعات قرارداد: یکی دیگر از چالش‌های مهم در انحلال قراردادهای مجازی، پیچیدگی و چندلایه بودن موضوعات آن‌ها است. برخلاف قراردادهای سنتی که عموماً ناظر بر کالا یا خدمات ملموس هستند، قراردادهای دیجیتال ممکن است شامل نرم‌افزارها، داده‌ها، خدمات ابری، حقوق مالکیت فکری، دسترسی‌های محدود زمانی یا اشتراک‌های الکترونیکی باشند. در چنین مواردی، تعیین موضوع قرارداد، احراز وقوع عیب یا نقص، و ارزیابی نقض تعهد به سادگی ممکن نیست (نبی، ۱۴۰۳: ۸۸-۹۴). برای مثال، آیا خطای نرم‌افزاری یا قطع موقت سرویس اینترنت، نقض اساسی محسوب می‌شود؟ آیا در قرارداد فروش داده یا محتوای دیجیتال، حق خریدار در صورت دسترسی محدود یا نقض در کارکرد، معادل خیار عیب در فقه است؟ فقه امامیه اگرچه در قالب سنتی خود با چنین مفاهیمی روبه‌رو نبوده، اما با اتکا به اصول عام همچون لاضرر، غرر، و قاعده اتلاف، ظرفیت تحلیل و انطباق با این موارد را دارد. این اصول می‌توانند

مبنایی برای توسعه نظریه‌ی فقهی جدیدی درباره انحلال قراردادهای دیجیتال باشند (رئسی، ۱۴۰۳: ۱۱۴-۱۱۸). مثلاً می‌توان خیار عیب را در فضای مجازی به صورت خیار کارکرد ۱ بازتعریف کرد تا شامل نقایص عملکردی در نرم‌افزار یا خدمات آنلاین نیز شود.

با وجود چالش‌های فوق، فقه امامیه دارای ظرفیت‌های فراوانی برای تنظیم و توسعه روابط حقوقی در فضای دیجیتال است. این ظرفیت‌ها عمدتاً ناشی از پویایی اصول فقهی و انعطاف مفهومی در تفسیر قواعد شرعی است. اصل اراده و اصل لزوم که از ارکان مهم فقه معاملات محسوب می‌شوند، قابلیت تطبیق با بسترهای نوین ارتباطی را دارند. فقه امامیه با تأکید بر وفای به عهد، منع ضرر و لزوم تعهدات مشروع، می‌تواند مبنایی مستحکم برای شکل‌گیری نظام حقوق دیجیتال اسلامی ارائه دهد (جبارزاده، ۱۴۰۳: ۲۲-۲۵). این رویکرد نه تنها ثبات و امنیت معاملات را در فضای مجازی تضمین می‌کند، بلکه از هرج و مرج قراردادی و نقض حقوق کاربران جلوگیری می‌نماید. افزون بر این، فقه امامیه به دلیل توجه به عدالت، امانت، و منع سوءاستفاده از جهل طرفین، می‌تواند الگوی کارآمدی برای تنظیم قراردادهای هوشمند و معاملات مبتنی بر هوش مصنوعی باشد. به عبارت دیگر، اگرچه فقه سنتی در مواجهه با پدیده‌های نو نیازمند بازخوانی است، اما قواعد بنیادین آن از چنان استحکام و انعطافی برخوردارند که می‌توانند مبنای تئوریک برای قانون‌گذاری و تدوین آیین‌نامه‌های حقوقی در حوزه تجارت الکترونیک، رمزارزها و قراردادهای دیجیتال قرار گیرند (نبیئی، ۱۴۰۳: ۱۰۵-۱۰۷). در مجموع، هرچند ویژگی‌هایی مانند سرعت بالا، عدم حضور فیزیکی و پیچیدگی فنی قراردادهای دیجیتال، چالش‌هایی برای تطبیق فقه امامیه با فضای مجازی ایجاد کرده است، اما این فقه با تکیه بر اصول ثابت و در عین حال قابل تفسیر خود، توانایی پاسخ‌گویی به مسائل نو را دارد. در واقع، فقه امامیه می‌تواند میان ثبات و انعطاف، عدالت و کارآمدی، و اصول سنتی و فناوری نوین، تعادلی پویا برقرار سازد. چنین نگاهی می‌تواند به تدوین «فقه قراردادهای دیجیتال» بینجامد که هم با مبانی شرعی سازگار است و هم با نیازهای دنیای معاصر هم‌خوانی دارد. در یک جمع‌بندی کلی بایستی به این موضوع مهم توجه داشت که علت تأکید فقه امامیه بر ثبات قراردادها به جای انعطاف‌پذیری گسترده چند محور اصلی دارد:

۱. وفای به عهد و اصل لزوم قراردادها: فقه امامیه اصل لزوم قراردادها را به عنوان یک قاعده اساسی حقوقی و اخلاقی پذیرفته است. این اصل نشان می‌دهد که تعهدات قراردادی معتبر و الزام‌آور هستند و تخطی از آن‌ها مسئولیت حقوقی و شرعی دارد (فلاحی، ۱۴۰۱: ۱۳؛ بجنوردی و فلاحی، ۱۴۰۲: ۲۹۲). این نگاه باعث می‌شود قراردادهای اضرار ثبات اقتصادی و اجتماعی باشند و طرفین بتوانند با اطمینان، منابع مالی و انسانی خود را مدیریت کنند.
۲. حفظ نظم اقتصادی و اعتماد عمومی: ثبات قراردادها از منظر اقتصادی و اجتماعی باعث تضمین اعتماد طرفین و پایداری بازار می‌شود. اگر قراردادها به سهولت قابل فسخ بودند، اعتماد اقتصادی کاهش یافته و سرمایه‌گذاری و مشارکت تجاری آسیب می‌دید (حسینی حائری، ۱۴۳۳: ۱۱۷-۱۲۴). بنابراین، تأکید بر ثبات قراردادها مانع هرج و مرج و بی‌اعتمادی در مناسبات حقوقی می‌شود.
۳. ابعاد عملی و بلندمدت قراردادها: قراردادهایی که شامل پروژه‌های سرمایه‌گذاری، مشارکت‌های تجاری بزرگ یا خدمات گسترده هستند، بدون اصل لزوم قرارداد با ریسک بالایی بی‌ثباتی مواجه‌اند. فقه امامیه با تأکید بر ثبات قراردادها، امکان پیش‌بینی و مدیریت منابع را برای طرفین فراهم می‌کند.

¹ Functional Defect

۴. توازن میان ثبات و انعطاف محدود: فقه امامیه، ضمن تأکید بر اصل لزوم، ابزارهایی برای انحلال محدود قراردادهای فراهم کرده است (فسخ، اقاله، خیارات) تا در شرایط خاص و مشروع انعطاف محدودی وجود داشته باشد. این رویکرد نشان می‌دهد که هدف اصلی حفظ ثبات و امنیت حقوقی است و انعطاف تنها در موارد ضروری و استثنایی مجاز است (آریافر، ۱۴۰۳: ۴۵-۴۶؛ حرعاملی، ۱۴۳۶: ج ۱۷: ۳۸۶).

۵. جلوگیری از سوءاستفاده و تضمین عدالت: تأکید بر ثبات قراردادهای از سوءاستفاده احتمالی طرفین جلوگیری می‌کند و حقوق طرفین را تضمین می‌کند. تنها در صورت تحقق شرایط قانونی مشخص، امکان فسخ یا انحلال وجود دارد (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۲: ۶۱-۶۳). این سازوکار، تعادل میان وفای به عهد و رعایت عدالت را برقرار می‌سازد. بر این اساس، فقه امامیه بر ثبات قراردادهای تأکید دارد تا امنیت حقوقی، نظم اقتصادی، اعتماد اجتماعی و وفای به عهد تضمین شود و تنها در شرایط محدود و مشروع، انعطاف اعمال شود. بنابراین، هدف اصلی حفظ اعتماد و ثبات در مناسبات قراردادی است و انعطاف گسترده جایگاه اصلی ندارد، بلکه ابزاری است برای مدیریت شرایط غیرمنتظره بدون آسیب به اصل لزوم.

۴- تحلیل مبانی و آثار حقوقی انحلال قراردادهای مجازی از منظر حقوق کامن لا

حقوق کامن لا، به‌ویژه در انگلستان و دیگر کشورهای تابع این نظام حقوقی، رویکرد متفاوتی نسبت به انحلال قراردادهای در مقایسه با فقه امامیه دارد. در این نظام، قراردادهای نیز از اصول اولیه لزوم و اعتبار تعهدات پیروی می‌کنند، اما سازوکارها و انعطاف لازم برای انحلال در شرایط خاص به شکل قابل توجهی گسترده‌تر است (گیامپیری، ۱، ۲۰۲۵: ۸). یکی از مفاهیم کلیدی در این حوزه، نقض بنیادین است که در کنار فسخ خودکار به طرفین امکان می‌دهد تا در مواجهه با نقض اساسی، قرارداد را سریع و کارآمد خاتمه دهند.

۴-۱- مبانی قانونی و فلسفه حقوقی انحلال قرارداد در کامن لا

در کامن لا، اصل وفای به عهد و اعتبار قراردادهای همچنان محترم شمرده می‌شود، اما تمرکز اصلی بر عملی بودن و انعطاف قراردادهای در شرایط متغیر است. فلسفه حقوقی این نظام بر این اساس است که قراردادهای باید هم ثبات داشته باشند و هم قابلیت واکنش سریع به نقض‌ها یا شرایط غیرمنتظره را فراهم کنند (گارج، ۲، ۲۰۲۳: ۶۵). این رویکرد به ویژه در محیط‌های تجاری و دیجیتال اهمیت دارد، جایی که معاملات بدون حضور فیزیکی و با سرعت بالا انجام می‌شوند بر اساس رویه قضایی انگلستان، نقض تعهد تنها زمانی منجر به انحلال قرارداد می‌شود که نقض اساسی باشد. در غیر این صورت، طرف زیان‌دیده صرفاً حق مطالبه خسارت دارد و قرارداد به قوت خود باقی می‌ماند (آدسینا و کولی، ۳، ۲۰۲۳: ۳۴۷-۳۴۹). این اصل باعث می‌شود که قراردادهای از انعطاف لازم برخوردار باشند و در عین حال، بی‌ثباتی و هرج و مرج ایجاد نگردد.

۴-۲- نقض بنیادین

نظریه‌ی نقض بنیادین از ستون‌های اصلی نظام کامن لا در انحلال قراردادهای به شمار می‌رود. بر اساس این نظریه، صرف نقض تعهد برای فسخ قرارداد کافی نیست؛ بلکه باید نشان داده شود که نقض صورت گرفته به قدری جدی است که هدف یا جوهره‌ی قرارداد را از بین برده است. برای مثال، اگر قرارداد خرید خدمات نرم‌افزاری منعقد شده و

¹ Giampieri

² Garg

³ Adesina Okoli and Yekini

ارائه‌دهنده‌ی خدمات نتواند نرم‌افزار را به گونه‌ای ارائه دهد که اساساً قابل استفاده باشد، این تخلف «نقض بنیادین» تلقی می‌شود اما اگر نقض جزئی باشد مانند تأخیر کوتاه در تحویل یا نقض جزئی در کیفیت طرف مقابل تنها حق مطالبه خسارت دارد، نه انحلال قرارداد. این تفکیک میان نقض اساسی و نقض جزئی، یکی از عناصر کلیدی انعطاف در کامن‌لا است و از ایجاد هرج‌ومرج در معاملات جلوگیری می‌کند (لیمینگ، ۱، ۲۰۲۳: ۶-۴). به بیان دیگر، کامن‌لا میان «حفظ ثبات قراردادی» و «واکنش سریع به نقض جدی» تعادلی دقیق برقرار کرده است. این رویکرد در قراردادهای الکترونیکی و مجازی اهمیت دوچندان می‌یابد. زیرا در چنین فضاهایی، نقض‌ها ممکن است از نوع فنی^۲ یا سیستمی^۳ باشند که باید با در نظر گرفتن ماهیت دیجیتال قرارداد تحلیل شوند. دادگاه‌های انگلیسی نیز در پرونده‌های اخیر خود، با درک پیچیدگی فناوری‌های جدید، تلاش کرده‌اند مفهوم نقض بنیادین را متناسب با محیط دیجیتال بازتعریف کنند تا بتوانند میان اختلال فنی موقت و نقض واقعی تعهد تفاوت قائل شوند (بردلی، ۴، ۲۰۲۴: ۴۱۴-۴۱۲).

۴-۳- فسخ خودکار

در کنار نظریه‌ی «نقض بنیادین» که مبنای سنتی برای انحلال قراردادها در نظام کامن‌لا به شمار می‌رود، مفهوم «فسخ خودکار» یکی از نوآوری‌های عملی و پرکاربرد در روابط قراردادی معاصر است (سیافای و مگاساری، ۵، ۲۰۲۴: ۳۳۸-۳۳۶). این سازوکار به‌ویژه در قراردادهای پیچیده، تجاری و دیجیتال، نقش مهمی در تضمین سرعت، کارآمدی و پیش‌بینی‌پذیری اجرای تعهدات دارد. بر اساس این مفهوم، طرفین در زمان انعقاد قرارداد توافق می‌کنند که در صورت وقوع شرایط خاص یا نقض معین، قرارداد به‌صورت خودکار و بدون نیاز به اعلام اراده‌ی مجدد یا حکم دادگاه منحل شود (اندرو فانگ، ۶، ۲۰۲۴: ۲۱-۱۸). به بیان دیگر، فسخ در این حالت نه نتیجه‌ی اعمال اراده‌ی بعدی طرفین، بلکه نتیجه‌ی پیش‌بینی توافق قراردادی است. در واقع، طرفین از پیش، تحقق برخی رویدادها را به‌منزله‌ی انقضای خودکار قرارداد تلقی می‌کنند.

۴-۳-۱- مبنای حقوقی و فلسفه‌ی فسخ خودکار

از منظر فلسفه‌ی حقوقی کامن‌لا، فسخ خودکار تجلی اراده‌ی آزاد طرفین و اصل آزادی قراردادی^۷ است. در این نظام، اصل بر این است که هر آنچه طرفین در قالب قرارداد معتبر توافق کنند، واجد آثار الزام‌آور است، مگر آنکه خلاف نظم عمومی یا عدالت اساسی باشد (ویسر، ۸، ۲۰۲۴: ۱۵۳-۱۵۴). بنابراین، اگر طرفین پیش‌بینی کنند که در صورت وقوع رویدادی مانند نقض اساسی، ورشکستگی، عدم پرداخت، یا توقف خدمات، قرارداد خودبه‌خود خاتمه یابد، دادگاه‌ها معمولاً چنین شرطی را معتبر می‌دانند. این رویکرد برخاسته از منطق اقتصادی و کارکردی نظام کامن‌لا است که می‌کوشد انعطاف و پیش‌بینی‌پذیری روابط تجاری را حفظ کند (بالاجی، ۹، ۲۰۲۴: ۲۰۲۲-۱۰۲۶). فسخ خودکار، در واقع، ابزاری برای مدیریت ریسک است؛ به‌ویژه در حوزه‌هایی که تأخیر در واکنش به نقض ممکن است زیان‌های گسترده‌ای به دنبال داشته باشد، مانند معاملات مالی، خدمات ابری^{۱۰} یا قراردادهای فناوری اطلاعات.

¹ Leeming

² Technical Breach

³ System Failure

⁴ Bradley

⁵ Syafa'i and Megasari

⁶ Andrew Phang

⁷ Freedom of Contract

⁸ Visser

⁹ Ballaji

¹⁰ Cloud services

۴-۳-۲- ویژگی‌ها و شرایط تحقق فسخ خودکار

فسخ خودکار معمولاً بر اساس شرط قراردادی صریح اشکل می‌گیرد. این شرط ممکن است در قالب بندهایی با عنوان‌هایی نظیر "Termination clause"، "Default clause" یا "Event of default" درج شود. ویژگی‌های اصلی این سازوکار عبارت‌اند از:

نخست؛ پیش‌تعیین شرایط انحلال: طرفین در قرارداد مشخص می‌کنند که چه رویدادهایی منجر به فسخ خودکار می‌شود؛ مانند عدم انجام تعهد در موعد مقرر، ورشکستگی یکی از طرفین، نقض اساسی مفاد قرارداد یا بروز فورس ماژور طولانی‌مدت؛

دوم؛ عدم نیاز به اعلام اراده: برخلاف فسخ معمول که نیازمند اعلام رسمی یا اخطار کتبی است، در فسخ خودکار تحقق شرط کافی است و قرارداد بدون تشریفات خاتمه می‌یابد؛ سوم؛ آثار فوری و قطعی: با وقوع رویداد تعیین شده، قرارداد از همان لحظه منحل می‌شود و طرف زیان‌دیده می‌تواند به سرعت برای جبران خسارات اقدام کند (برمن ۲، ۲۰۲۴: ۲۲۶-۲۲۳).

دادگاه‌های انگلیسی در موارد متعدد، از جمله در پرونده‌های *Lombard North Central v Butterworth* (1987) و *Union Eagle Ltd v Golden Achievement Ltd* (1997)، این اصل را تأیید کرده‌اند که در صورت وجود شرط صریح، انحلال خودکار معتبر است، حتی اگر نتیجه آن سخت یا نامطلوب برای یکی از طرفین باشد (یولیا ۳، ۲۰۲۵: ۱۲۹۷-۱۲۹۶).

۴-۳-۳- کارکرد فسخ خودکار در قراردادهای دیجیتال و هوشمند

همانگونه که پیشتر مطرح شد، در فضای دیجیتال و تجارت الکترونیکی، مفهوم فسخ خودکار اهمیت ویژه‌ای یافته است. بسیاری از قراردادهای امروزی، به‌ویژه در حوزه‌ی فناوری، نرم‌افزار، خدمات ابری، و رمزارزها، شامل بندهایی هستند که به‌صورت خودکار در صورت نقض یا تخلف فعال می‌شوند. این امر به دلیل ماهیت پرسرعت و بدون واسطه‌ی تراکنش‌های الکترونیکی است که در آن، زمان واکنش انسانی محدود و زیان‌ها به سرعت قابل افزایش است. در قراردادهای هوشمند ۴ که بر بستر بلاک‌چین اجرا می‌شوند، فسخ خودکار عملاً از طریق کدهای برنامه‌نویسی ۵ صورت می‌گیرد (اسپونر ۶، ۲۰۲۴: ۲۶۶-۲۶۴). در این نوع قراردادها، اجرای شرط فسخ به‌صورت دیجیتالی و بی‌درنگ انجام می‌شود؛ به گونه‌ای که وقتی یکی از طرفین تعهد خود را نقض کند یا شرط خاصی محقق شود، سیستم به‌طور خودکار عملیات مربوط به فسخ و بازگشت اموال یا وجوه را انجام می‌دهد. این تحول، نمونه‌ی بارزی از تلفیق اصول کلاسیک کامن‌لا با فناوری‌های نوین است که مفهوم سنتی «اعلام فسخ» را به کلی دگرگون کرده است (لیما ۷ و همکاران، ۲۰۲۵: ۸-۱۰).

۴-۳-۴- مزایا و چالش‌های حقوقی فسخ خودکار

فسخ خودکار دارای مزایای قابل توجهی است که باعث گسترش آن در نظام‌های حقوقی و تجاری شده است:

¹ Express clause

² Bermann

³ Uliasz

⁴ Smart Contracts

⁵ Self-executing code

⁶ Spooner

⁷ Lima

نخست؛ افزایش کارآمدی و سرعت عمل: این سازوکار به طرفین امکان می‌دهد فوراً به نقض واکنش نشان دهند و از خسارات بیشتر جلوگیری کنند؛

دوم؛ کاهش هزینه‌های دادرسی: نیازی به طرح دعوا یا اثبات نقض در دادگاه نیست، زیرا وقوع شرط فسخ به‌طور قراردادی پذیرفته شده است؛

سوم؛ پیش‌بینی‌پذیری و شفافیت: طرفین از پیش می‌دانند که در چه شرایطی قرارداد خاتمه خواهد یافت، که این امر به ثبات روابط اقتصادی کمک می‌کند (هالابوردا و همکاران، ۲۰۲۴: ۸۳۱-۸۳۶).

با این حال، چالش‌هایی نیز مطرح است. یکی از نگرانی‌ها این است که فسخ خودکار ممکن است بدون در نظر گرفتن شرایط واقعی یا نیت طرفین فعال شود، به‌ویژه در قراردادهای دیجیتال که فرآیندها خودکار هستند. همچنین در برخی موارد، دادگاه‌ها ممکن است اعتبار بندهای فسخ خودکار را در صورت مغایرت با انصاف یا اصل حسن نیت^۲ زیر سؤال ببرند. به‌طور خاص، در پرونده‌های تجاری پیچیده، دادگاه‌ها گاه بررسی می‌کنند که آیا اجرای خودکار فسخ، منجر به ظلم آشکار یا سوءاستفاده از حق قراردادی نشده است. به همین دلیل، شرط فسخ خودکار باید به گونه‌ای تنظیم شود که هم با قواعد انصاف سازگار باشد و هم امکان کنترل قضایی در موارد استثنایی وجود داشته باشد^۳.

۴-۴- آثار حقوقی انحلال قرارداد در کامن‌لا

آثار حقوقی ناشی از نقض بنیادین و فسخ خودکار شامل موارد زیر است:

-خاتمه قرارداد از زمان وقوع نقض: اصلی‌ترین اثر حقوقی، پایان قرارداد از زمان تحقق نقض یا شرط فسخ خودکار است. بر اساس رویه قضایی کامن‌لا، هنگامی که نقض بنیادین رخ دهد یا شرط فسخ خودکار محقق شود، قرارداد به طور فوری و بدون نیاز به اعلام اراده طرف زیان‌دیده منحل می‌شود. این ویژگی باعث می‌شود قراردادهای دیجیتال، جایی که سرعت تعاملات بالاست و تأخیر در واکنش می‌تواند خسارات جدی ایجاد کند، انعطاف و کارایی لازم را داشته باشند (مور، ۲۰۲۵: ۱۹۴). این اثر، تفاوت اساسی با فسخ سنتی دارد که معمولاً نیازمند اعلان رسمی، اخطار یا حکم قضایی است. در فسخ خودکار و نقض بنیادین، اجرای انحلال از لحظه تحقق شرط یا تخلف آغاز می‌شود، بدون اتلاف وقت یا نیاز به فرآیندهای طولانی دادرسی.

-حق مطالبه خسارت: اثر دوم، حق مطالبه خسارت برای طرف زیان‌دیده است. در کامن‌لا، حتی با انحلال خودکار قرارداد، طرف زیان‌دیده می‌تواند خسارات مستقیم ناشی از نقض تعهدات را مطالبه کند. در برخی موارد و با توجه به شرایط قرارداد، خسارات تبعی^۴ نیز قابل مطالبه است، مشروط بر اینکه طرف زیان‌دیده بتواند رابطه علت و معلولی میان نقض و زیان وارده را اثبات کند (بیل، ۲۰۲۴: ۱۸۰-۱۷۹). این اصل تضمین می‌کند که حتی در محیط‌های پرسرعت دیجیتال، جبران خسارات و حمایت از منافع اقتصادی طرفین امکان‌پذیر باشد. به‌ویژه در قراردادهای هوشمند یا خدمات ابری، خسارات ممکن است شامل اختلال در خدمات، از دست رفتن داده‌ها، یا زیان ناشی از توقف عملیات تجاری باشد، که با مکانیزم فسخ خودکار می‌توان روند جبران آن را سریع‌تر و مؤثرتر کرد.

¹ Halaburda

² Good Faith

³ "The Overview of Smart Contract: Legality and Enforceability." (2024). *Dialogia Iuridica*, 16(1), 96-111. <https://doi.org/10.28932/di.v16i1.10024>

⁴ Moore

⁵ Consequential Damages

⁶ Beale

-رفع تعهدات آتی: پس از فسخ، تعهدات آتی طرفین لغو می‌شود؛ یعنی هیچ یک از طرفین دیگر ملزم به انجام تعهدات آینده قرارداد نیست. با این حال، مسئولیت‌های گذشته و حقوقی که پیش از فسخ ایجاد شده‌اند، همچنان پابرجا هستند (اسپونز، ۲۰۲۴: ۲۷۰-۲۷۱). این امر از سوءاستفاده احتمالی طرف مقابل جلوگیری می‌کند و تضمین می‌کند که قرارداد تنها در جهت پایان دادن به تعهدات آتی منحل شود، نه برای فرار از مسئولیت‌های گذشته. به عنوان مثال، اگر قراردادی برای ارائه خدمات نرم‌افزاری به صورت ماهانه منعقد شده باشد و طرف ارائه‌دهنده خدمات در ماه دوم تعهدات خود را نقض کند، پس از فسخ خودکار، تعهدات آتی (مانند ماه‌های بعدی) لغو می‌شود، اما پرداخت‌های قبلی و مسئولیت‌های ناشی از خسارات گذشته همچنان به قوت خود باقی می‌ماند (خلیفه و صمد، ۲۰۲۵: ۱۷۹-۱۷۶).

این آثار حقوقی به طور مستقیم با ویژگی‌های قراردادهای دیجیتال همسو هستند، زیرا دارای کارکردهای اثربخش ذیل هستند:

انعطاف‌پذیری بالا: خاتمه فوری و رفع تعهدات آتی موجب می‌شود که قراردادها در محیط‌های پرشتاب، خودکار و تغییرپذیر دیجیتال، به سرعت با شرایط جدید تطبیق یابند؛

حفظ حقوق طرفین: حق مطالبه خسارت و ادامه مسئولیت‌های گذشته، اطمینان ایجاد می‌کند که طرف زیان‌دیده از نظر اقتصادی و قانونی متضرر نخواهد شد؛

پیشگیری از استمرار قراردادهای نامطلوب: فسخ خودکار و نقض بنیادین تضمین می‌کنند که قراردادهای غیرقابل اجرا یا نامطلوب ادامه پیدا نکنند و منابع طرفین به هدر نرود (ون اک و آگبکو، ۲۰۲۴: ۶۲۰-۶۱۸).

۴-۵- کاربرد در قراردادهای الکترونیکی و دیجیتال

در محیط دیجیتال، سرعت و حجم معاملات به قدری بالاست که فرآیندهای قضایی سنتی که نیازمند بررسی دقیق، اخطار، اعلام فسخ و اثبات خسارت هستند، نمی‌توانند پاسخگو باشند. در مقابل، فسخ خودکار و نقض بنیادین امکان پایان فوری قرارداد و اعمال حقوق طرف زیان‌دیده را بدون نیاز به فرآیند طولانی فراهم می‌کنند (سیدمن و بانکرافت، ۲۰۲۴: ۶۳-۶۶). این ویژگی به ویژه در قراردادهای هوشمند، خدمات آنلاین و پلتفرم‌های تجاری خودکار اهمیت دارد، جایی که هر دقیقه تأخیر می‌تواند موجب از دست رفتن فرصت‌ها و زیان اقتصادی شود.

۴-۵-۱- پایداری اقتصادی و امنیت حقوقی

کاربرد نقض بنیادین و فسخ خودکار به حفظ پایداری اقتصادی و امنیت حقوقی در محیط دیجیتال کمک می‌کند. قراردادها با داشتن مکانیزم‌های روشن برای انحلال فوری، نه تنها از ادامه معاملات نامطلوب جلوگیری می‌کنند، بلکه اعتماد طرفین به قراردادهای دیجیتال و معاملات آنلاین را نیز افزایش می‌دهند. طرفین می‌دانند که در صورت نقض یا عدم انجام تعهدات، می‌توانند به سرعت به حقوق خود دست یابند، بدون آنکه منتظر پروسه‌های طولانی قضایی باشند (آیرس، ۲۰۲۵: ۷-۶). این امر، به ویژه در معاملات پیچیده فناوری اطلاعات، خدمات ابری، و رمزارزها اهمیت دارد، زیرا در این حوزه‌ها ریسک‌های اقتصادی و عملیاتی به سرعت افزایش می‌یابند و نیاز به پاسخ سریع برای کاهش زیان‌ها حیاتی است.

۴-۵-۲- افزایش انعطاف‌پذیری و مدیریت ریسک

¹ Khalifa & Samad

² Van Eck & Agbeko

³ Sideman & Bancroft

⁴ Ayres

علاوه بر پایداری و امنیت، این سازوکارها انعطاف‌پذیری قراردادهای و قابلیت مدیریت ریسک را به طور قابل توجهی افزایش می‌دهند. با وجود فسخ خودکار، طرفین می‌توانند شرایط قرارداد را به گونه‌ای طراحی کنند که با وقوع رویدادهای غیرمنتظره یا نقض تعهدات، پاسخ مناسب و فوری ایجاد شود (فلاگ و ساندرز، ۲۰۲۴: ۴۴۶). این امر از سوءاستفاده احتمالی طرفین جلوگیری کرده و به کاهش هزینه‌های اقتصادی و حقوقی کمک می‌کند. همچنین، با ترکیب شرایط فسخ خودکار و پیش‌بینی خسارات مستقیم و تبعی، طرفین می‌توانند ریسک‌های قرارداد را از پیش کنترل کنند و در عین حال از ادامه تعاملات نامطلوب جلوگیری نمایند. در محیط دیجیتال، این ویژگی‌ها نقش محوری در حفظ جریان تجارت و جلوگیری از اختلال‌های گسترده در شبکه‌های آنلاین دارند (گوبولی ۲ و همکاران، ۲۰۲۵: ۵۰۷-۵۰۹).

۴-۵-۳- کاربرد عملی در قراردادهای دیجیتال و هوشمند

در قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاک‌چین، فسخ خودکار در قالب کد برنامه‌نویسی اجرا می‌شود و هرگونه نقض یا تحقق شرط مشخص، به طور خودکار اعمال می‌شود. این ویژگی، پاسخ به نیازهای محیط پرسرعت دیجیتال را تضمین می‌کند و همچنین، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری قراردادهای را افزایش می‌دهد. طرفین از پیش می‌دانند که در صورت نقض یا عدم انجام تعهد، چه فرآیندی رخ خواهد داد و این اطمینان باعث کاهش اختلافات و دعاوی احتمالی می‌شود (بیل، ۲۰۲۴: ۱۸۷). به طور خلاصه، نقض بنیادین و فسخ خودکار ستون‌های اصلی مدیریت قراردادهای دیجیتال هستند که با فراهم کردن پایداری اقتصادی، امنیت حقوقی، انعطاف‌پذیری و مدیریت ریسک، امکان اجرای سریع و کارآمد تعهدات را در محیط‌های پرشتاب و پیچیده فراهم می‌کنند. این سازوکارها نشان می‌دهند که چگونه اصول سنتی حقوق قراردادها در کامن‌لا با فناوری‌های نوین تلفیق شده و پاسخگوی نیازهای تجارت الکترونیک و فضای دیجیتال شده‌اند (باسو، ۲۰۲۴: ۱۰۶-۱۰۳).

۴-۶- چالش‌ها و محدودیت‌ها

با وجود کارآمدی این سازوکارها، برخی چالش‌ها وجود دارند:

- تشخیص نقض بنیادین: تعیین اینکه یک نقض واقعاً بنیادین است یا جزئی، ممکن است نیازمند تحلیل دقیق قضایی و مستندات قرارداد باشد.
- اعمال فسخ خودکار در محیط بین‌المللی: در قراردادهای فراملی، تفاوت‌های حقوقی بین نظام‌های کامن‌لا و حقوق مدنی ممکن است تفسیر فسخ خودکار را پیچیده کند (ادهب عطیه و همکاران، ۲۰۲۴: ۹-۱۰).
- تعامل با اصول سنتی: در برخی کشورها، ترکیب حقوق کامن‌لا با اصول فقهی یا قوانین داخلی، ممکن است نیازمند تنظیمات خاص باشد.

با این حال، نظام حقوقی کامن‌لا با تأکید بر انعطاف و پاسخ سریع به نقض‌های اساسی، توانسته است چارچوب عملی و مؤثری برای انحلال قراردادهای دیجیتال ارائه دهد و الگویی برای توسعه مقررات داخلی در کشورهای در حال توسعه باشد (باسان و رابیتی، ۲۰۲۴: ۳۲۵-۳۲۲).

¹ Flugge and Saunders

² Godbole

³ Self-Executing Code

⁴ Baso

⁵ Adhab Atiyah

⁶ Bassan & Rabitti

۵- تحلیل تطبیقی مبانی و آثار حقوقی انحلال قراردادهای مجازی از منظر فقه امامیه و حقوق کامن لا

تحلیل تطبیقی دو نظام حقوقی نشان می‌دهد که هر دو، اصل لزوم قراردادهای مجازی را به‌عنوان رکن اساسی معاملات پذیرفته‌اند و بر اعتبار و الزام‌آوری تعهدات تأکید دارند. با این حال، تفاوت‌های بنیادین در فلسفه حقوقی، سازوکارهای انحلال و انعطاف قراردادهای دیجیتال، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد مدیریت نقض قراردادهای ایجاد می‌کند. این تفاوت‌ها در بستر قراردادهای دیجیتال و مجازی بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کنند و می‌توانند راهنمای بازنگری و اصلاح مقررات داخلی باشند.

۵-۱- شباهت‌های بنیادین

هر دو نظام بر لزوم وفای به عهد و اعتبار قراردادهای تأکید دارند. در فقه امامیه، اصل لزوم مبتنی بر احترام به اراده طرفین و رعایت وفای به عهد است؛ قراردادهای تجلی توافق طرفین بوده و تنها در صورت وجود سبب قانونی یا توافق متقابل قابل انحلال هستند (شهید ثانی، ۱۴۳۳، ج ۳: ۱۴۵-۱۴۸؛ محقق داماد، ۱۴۲۸، ج ۲: ۳۴-۳۸). این اصل تضمین می‌کند که معاملات ثابت، پیش‌بینی‌پذیری و امنیت حقوقی داشته باشند. در حقوق کامن لا نیز، قراردادهای دارای اعتبار قانونی هستند و نقض تعهدات جزئی تنها موجب حق مطالبه خسارت می‌شود، نه فسخ فوری (مک‌کندریک، ۲۰۲۳: ۲۷-۳۲). این اصل نشان‌دهنده توجه نظام کامن لا به حفظ تعهدات و اجتناب از بی‌ثباتی در معاملات است. از این منظر، هر دو نظام به نحوی به ثبات و امنیت روابط قراردادی اهمیت می‌دهند و تلاش می‌کنند اعتماد طرفین به قراردادهای را حفظ کنند.

افزون بر این، هر دو نظام حقوقی نقش مهم «اراده» را در شکل‌گیری و تدایم قرارداد به رسمیت می‌شناسند. بر این اساس، در فقه امامیه، قصد و رضای طرفین شرط اساسی تحقق عقد است و بدون تحقق آن، قرارداد فاقد اعتبار خواهد بود (امام خمینی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۲۹-۳۲). در کامن لا نیز، وجود توافق واقعی و قصد ایجاد روابط حقوقی از ارکان بنیادین تشکیل قرارداد است (پول، ۲۰۲۰: ۱-۶). این اشتراک نشان می‌دهد که هر دو نظام، بنیان قرارداد را بر توافق آزادانه افراد استوار می‌دانند.

از طرفی، در هر دو نظام، اصل لزوم به‌عنوان ابزاری برای حمایت از «انتظارات مشروع» طرفین عمل می‌کند. در فقه امامیه، اصل «اوفوا بالعقود» زمینه‌ای برای اعتماد طرفین به پایداری عقد فراهم می‌آورد (نراقی، ۱۴۳۱، ج ۱۰: ۲۳-۲۷) و در کامن لا نیز، نظریه «انتظارات قابل اتکا» و تفسیر قرارداد براساس نیت مشترک طرفین، به این هدف خدمت می‌کند (مک‌کندریک، ۲۰۲۳: ۲۲۱-۲۲۵). بنابراین، طرفین می‌توانند با اتکا به اعتبار قرارداد، برنامه‌ریزی اقتصادی و حقوقی خود را با اطمینان بیشتری انجام دهند.

همچنین هر دو نظام به‌طور ضمنی یا صریح، نقشی برای «حسن نیت» در اجرای قراردادهای قائل‌اند. هرچند در کامن لا اصل حسن نیت به‌صورت یک قاعده عام وجود ندارد، اما در رویه قضایی و برخی عقود خاص، الزام به رفتار منصفانه و منطقی در اجرای تعهدات مشاهده می‌شود (پول، ۲۰۲۰: ۳۰۲-۳۱۰). در فقه امامیه نیز قواعدی مانند «لا ضرر»، «وفای به شرط» و «حرمت غبن» به‌گونه‌ای ایفای تعهدات را در چارچوب حسن نیت و انصاف هدایت می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۴۸۸-۴۹۰).

¹ McKendrick

² Poole

این شباهت‌ها نشان می‌دهد که هر دو نظام، صرف پایبندی صوری به قرارداد را کافی نمی‌دانند، بلکه کیفیت اجرای تعهدات نیز مهم تلقی می‌شود. در نهایت آنکه هر دو نظام حقوقی به ابزارهایی برای حمایت از طرف متضرر در صورت نقض تعهدات مجهز هستند. در فقه امامیه، امکان مطالبه خسارت، الزام متعهد به انجام تعهد و در مواردی فسخ عقد به دلیل تخلف از شرط وجود دارد. در کامن‌لا نیز، جبران خسارت، صدور حکم اجرای عین تعهد و سایر ضمانت‌اجراها به منظور جلوگیری از تضییع حقوق طرف زیان‌دیده به کار گرفته می‌شود. این ابزارها تکامل اصل لزوم را ممکن کرده و آن را از یک اصل مجرد به یک ساختار کارآمد برای حمایت از عدالت قراردادی تبدیل می‌کنند.

جدول ۱- شباهت‌های بنیادین آثار حقوقی انحلال قراردادهای مجازی از منظر فقه امامیه و حقوق کامن‌لا (منبع: یافته‌های پژوهش)

محور مقایسه	فقه امامیه	حقوق کامن‌لا	تحلیل تطبیقی
اصل لزوم قراردادها	اصل لزوم مبتنی بر وفای به عهد و احترام به اراده طرفین؛ عدم جواز انحلال عقد جز به سبب شرعی یا قانونی (شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۳، ص ۱۴۵-۱۴۸؛ محقق داماد، ۱۴۲۸، ج ۲: ۳۴-۳۸)	الزام‌آوری قراردادها و محدود بودن فسخ در نقض‌های غیر اساسی؛ تأکید بر جبران خسارت به جای انحلال قرارداد (مک‌کندریک، ۲۰۲۳: ۲۷-۳۲).	هر دو نظام بر ثبات و امنیت حقوقی معاملات تأکید دارند و از بی‌ثباتی قراردادی پرهیز می‌کنند.
نقش اراده در تشکیل قرارداد	قصد و رضای طرفین شرط اساسی صحت عقد و فقدان آن موجب بطلان است (امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۹-۳۲).	وجود ایجاب، قبول و قصد ایجاد رابطه حقوقی به‌عنوان ارکان اساسی قرارداد (پول، ۲۰۲۰: ۱-۶)	اشتراک بنیادین در اتکای قرارداد بر توافق آزادانه و آگاهانه اشخاص.
حمایت از انتظارات مشروع	اصل «اوفوا بالعقود» مبنای اعتماد به پایداری و الزام‌آوری عقد (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۱؛ نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۳-۲۷)	نظریه نفع مورد انتظار و نظریه نفع مبتنی بر اتکا به‌عنوان مبنای حمایت از اعتماد مشروع (مک‌کندریک، ۲۰۲۳: ۲۲۱-۲۲۵).	اصل لزوم در هر دو نظام، ابزار حمایت از اعتماد و برنامه‌ریزی اقتصادی است.
حسن نیت در اجرای قرارداد	قواعد «لا ضرر»، «وفای به شرط» و «حرمت غبن» اجرای منصفانه تعهدات را تضمین می‌کند (شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۳، ص ۲۶۵-۲۶۸).	حسن نیت قاعده عام نیست، اما در اجرای قرارداد و تفسیر آن، رفتار منصفانه مورد توجه است (بینگهام، ۲۰۱۱: ۳۸-۴۱).	کیفیت اجرای تعهدات، نه صرف وجود قرارداد، در هر دو نظام اهمیت دارد.
ضمانت‌اجراهای نقض قرارداد	مطالبه خسارت، الزام به انجام تعهد و در مواردی فسخ به سبب تخلف از شرط (امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۸۸-۴۹۰).	جبران خسارت، اجرای عین تعهد و ضمانت‌اجراهای قضایی؛ مبنای خسارت ناشی از قرارداد (پول، ۲۰۲۰: ۳۰۲-۳۱۰).	اصل لزوم با ضمانت‌اجراهای کارآمد تکمیل و عملیاتی می‌شود.
جمع‌بندی تطبیقی	تأکید فقه امامیه بر لزوم و وفای به عهد به‌عنوان قاعده حاکم (نراقی، عوائد الأیام، ص ۲۶۵-۲۶۸)	تأکید رویه قضایی بر حفظ قرارداد و حداقل‌سازی فسخ (مک‌کندریک، ۲۰۲۳: ۳-۷).	هم‌گرایی دو نظام در حمایت از ثبات، اعتماد و عدالت قراردادی علی‌رغم تفاوت‌های مبنایی.

۵-۲- تفاوت‌های اساسی

با وجود شباهت در اصل لزوم، تفاوت‌های بنیادین در انعطاف و سازوکار انحلال قرارداد مشاهده می‌شود. فقه امامیه به دلیل تأکید بر ثبات و وفای به عهد، امکان انحلال محدود و کنترل‌شده را فراهم می‌کند و تنها با وجود سبب قانونی یا توافق طرفین، فسخ، اقاله یا خيارات اعمال می‌شود (انصاری، ۱۴۴۱: ۴۲۶-۴۳۲؛ شهید ثانی، ۱۴۴۳، ج ۳: ۲۶۶-۲۶۶).

۲۷۱). این رویکرد باعث می‌شود که حتی در شرایط غیرحضور و دیجیتال، قراردادهای پایدار باشند و طرفین نتوانند به دلخواه خود تعهدات را ترک کنند. در مقابل، حقوق کامن‌لا با تأکید بر نقض بنیادین و فسخ خودکار امکان انحلال سریع و کارآمد قراردادهای را فراهم می‌کند (استانارد و کپر^۱، ۲۰۲۰: ۸۱-۸۵). نقض بنیادین به معنای نقضی است که هدف اصلی قرارداد را از بین می‌برد و ادامه قرارداد برای طرف دیگر بی‌فایده می‌شود. در این حالت، طرف زیان‌دیده می‌تواند قرارداد را فوری فسخ کرده و خسارات را مطالبه نماید. این سازوکار، به ویژه در قراردادهای دیجیتال و الکترونیکی اهمیت بالایی دارد، زیرا محیط مجازی با سرعت بالای معاملات، تراکنش‌های غیرحضور و پیچیدگی موضوعات، نیازمند پاسخ سریع و انعطاف‌پذیر است.

یکی دیگر از مهم‌ترین تفاوت‌ها، رویکرد به انعطاف و ثبات قراردادهای است. فقه امامیه ثبات و پایداری را بر انعطاف ترجیح می‌دهد و معتقد است که هرگونه مداخله غیرضروری در قرارداد، موجب اختلال در اعتماد اقتصادی و اجتماعی می‌شود (فاضل مقداد، ۱۴۳۶: ۲۲۱-۲۲۵؛ نائینی، ۱۴۲۸: ۳۱۷-۳۲۵). این رویکرد به ویژه در معاملات سنتی و بلندمدت، امکان پیش‌بینی و امنیت حقوقی را فراهم می‌آورد. حقوق کامن‌لا اما در محیط‌های تجاری و دیجیتال، انعطاف و پاسخ سریع به شرایط غیرمنتظره را اولویت می‌دهد (کوپر و کرک^۲، ۲۰۲۲: ۱۳۷-۱۴۱). سازوکار فسخ خودکار و نقض بنیادین، علاوه بر حفاظت از منافع طرف زیان‌دیده، امکان مدیریت ریسک و تسهیل اجرای قراردادهای را فراهم می‌کند. در نتیجه، در کامن‌لا ثبات قراردادهای با انعطاف ترکیب شده و این ترکیب موجب افزایش کارآمدی در محیط‌های پویا می‌شود.

تفاوت مهم دیگر، سازوکارهای انحلال و آثار آن می‌باشد. بر این اساس در فقه امامیه، انحلال قرارداد تنها در شرایط مشخص امکان‌پذیر است و ابزارهای فسخ، اقاله و خیرات محدودیت‌هایی دارند. آثار حقوقی انحلال شامل بازگشت اموال، رعایت حقوق متقابل و جبران خسارت در صورت وجود تقصیر است (نجفی، ۱۴۳۸، ج ۲۴: ۳۵۱-۳۵۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۳۳، ج ۳: ۲۰۵-۲۰۹). این سازوکارها نشان می‌دهند که انحلال قرارداد ابزاری کنترل‌شده و دقیق است که بر حفظ ثبات تمرکز دارد. در حقوق کامن‌لا، انحلال قرارداد در صورت نقض بنیادین یا تحقق شرط فسخ خودکار، به صورت خودکار و فوری اتفاق می‌افتد و آثار آن شامل پایان تعهدات آتی، حفظ حقوق گذشته و امکان مطالبه خسارات است (روان^۳، ۲۰۱۲: ۹۱-۹۶). این سازوکار سریع و پویا، برای محیط‌های پرشتاب و قراردادهای دیجیتال، بسیار مناسب است و باعث می‌شود قراردادهای غیرقابل اجرا یا زیان‌آور به سرعت خاتمه یابند.

تطبیق با محیط دیجیتال تفاوت مهم دیگر در دو نظام حقوقی است. در این راستا، فقه امامیه با تأکید بر اراده طرفین و ثبات قراردادهای، می‌تواند به عنوان پایه‌ای مطمئن برای حقوق دیجیتال عمل کند و اطمینان حاصل کند که معاملات غیرحضور از امنیت و اعتبار کافی برخوردار باشند (ایزدی‌فرد و همکاران، به نقل از روحانی، ۱۳۹۲: ۷۱-۷۵). حقوق کامن‌لا، با ابزارهای انعطاف‌پذیر خود، امکان انحلال سریع و پاسخ به نقض‌های اساسی را فراهم می‌کند و بدین ترتیب محیط دیجیتال را با سرعت و پیچیدگی خود هماهنگ می‌سازد (بیل^۴، ۲۰۲۱: ۵۵-۵۹).

¹ Stannard & Capper

² Cooper & Kirk

³ Rowan

⁴ Beale

افزون بر تفاوت‌های فوق، باید توجه کرد که هر دو نظام در تعیین «معیار تشخیص نقض قابل‌اعتنا» نیز رویکردهای متمایزی دارند. در فقه امامیه، تحقق اختیارات نیازمند احراز شرایطی است که معمولاً به صورت محدود و مبتنی بر قواعد خاص تعریف شده‌اند؛ مانند خیار عیب، خیار شرط یا خیار تدلیس (ایزدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۴-۶۸). این شرایط اغلب بر مبنای مفاهیم عینی، نظیر وجود عیب، غرر یا تخلف از شرط منصوص شکل گرفته‌اند. اما در حقوق کامن‌لا، معیار تشخیص نقض بنیادین بیشتر بر تحلیل کارکردی و اقتصادی قرارداد بنا شده است؛ به این معنا که دادگاه بررسی می‌کند آیا نقض، هدف تجاری قرارداد را بی‌اثر کرده یا منجر به بی‌فایده شدن ادامه آن برای طرف مقابل شده است (بوروزا و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۲۱-۲۲۵). به این ترتیب، تشخیص نقض اساسی در کامن‌لا انعطاف بیشتری داشته و با نیازهای معاملات پیچیده سازگارتر است.

تفاوت دیگری که اهمیت تطبیقی دارد، نقش «دادگاه» در مدیریت انحلال قراردادها است. در فقه امامیه، با توجه به اینکه انحلال عمدتاً بر پایه اسباب مشخص و سنتی انجام می‌شود، نقش قاضی بیشتر محدود به احراز تحقق سبب قانونی است و امکان ایجاد قواعد جدید یا توسعه رویکردهای مبتنی بر کارکرد اقتصادی قرارداد کمتر دیده می‌شود. در مقابل، در نظام کامن‌لا، رویه قضایی نقش محوری دارد و دادگاه‌ها از طریق آرای خود معیارهای جدیدی برای تشخیص نقض بنیادین، تعیین آثار فسخ یا ارزیابی خسارات ایجاد می‌کنند. این پویایی قضایی باعث شده است کامن‌لا در مواجهه با قراردادهای نوین دیجیتال، خدمات الکترونیکی و معاملات مبتنی بر هوش مصنوعی، ظرفیت انطباق و تفسیر گسترده‌تری داشته باشد. نکته مهم دیگر، تفاوت دو نظام در برخورد با «شرایط ضمنی» در قرارداد است. در فقه امامیه، شروط ضمنی عمدتاً بر مبنای عرف عقلایی، قصد مشترک طرفین و قواعد تکمیلی فقهی توجیه می‌شوند؛ اما این شروط معمولاً محدود بوده و در راستای تثبیت قرارداد عمل می‌کنند (سبحانی، ۱۳۹۹: ۱۳۰-۱۳۴؛ صادقی، ۱۴۰۱: ۷۷-۷۹). در کامن‌لا، دادگاه‌ها می‌توانند شروطی را به صورت ضمنی وارد قرارداد کنند؛ به ویژه هنگامی که برای کارکرد صحیح قرارداد ضروری باشد یا عرف تخصصی یک صنعت آن را ایجاب کند (بیل، ۲۰۲۱: ۸۰-۸۳). این امکان موجب افزایش انعطاف قراردادها در کامن‌لا شده و به بازاری که دائماً در حال تغییر است، اجازه می‌دهد از طریق توسعه شروط ضمنی، نیازهای جدید خود را پوشش دهد.

در نهایت، از منظر سیاست‌گذاری حقوقی، تفاوت دو نظام در توازن میان ثبات و انعطاف، پیامدهای متفاوتی برای اقتصاد دیجیتال و کسب‌وکارهای نوین به همراه دارد. فقه امامیه، با فراهم کردن چارچوبی مبتنی بر اعتماد، ثبات و امنیت روابط، می‌تواند پایه‌ای مطمئن برای قراردادهای الکترونیکی باشد، به‌ویژه در حوزه‌هایی که پیش‌بینی‌پذیری از کارآمدی بیشتر برخوردار است؛ مانند معاملات مالی اسلامی یا قراردادهای بلندمدت پلتفرمی (صادقی، ۱۴۰۱: ۴۱-۴۳؛ ایزدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲). در مقابل، کامن‌لا با رویکرد انعطاف‌پذیر خود، برای حوزه‌هایی مانند خدمات ابری، هوش مصنوعی، توسعه نرم‌افزارهای پویا و معاملات پرشتاب دیجیتال مناسب‌تر است (فورمستون^۲، ۲۰۲۰: ۴۴-۴۷). این تفاوت نشان می‌دهد که هر یک از دو نظام، با توجه به مبانی خود، نوعی از نیازهای محیط دیجیتال را پاسخ می‌دهند؛ یکی با تکیه بر ثبات، و دیگری با تمرکز بر قابلیت انطباق.

¹ Burrows

² Furmston

جدول ۲- تفاوت‌های بنیادین آثار حقوقی انحلال قراردادهای مجازی از منظر فقه امامیه و حقوق کامن‌لا (منبع: یافته‌های پژوهش)

محور مقایسه	فقه امامیه	حقوق کامن‌لا	تحلیل تطبیقی
انعطاف و محدودیت انحلال	انحلال محدود و کنترل‌شده؛ فسخ، اقاله یا خيارات فقط با سبب قانونی یا توافق طرفین ممکن است (انصاری، مکاسب، ۱۴۴۱: ۴۲۶-۴۳۲؛ شهید ثانی، مسالک الأفهام، ۱۴۴۳، ج ۳: ۲۶۶-۲۷۱)	امکان انحلال سریع قرارداد در صورت نقض بنیادین؛ فسخ خودکار و مطالبه خسارت در صورت بی‌فایده شدن ادامه قرارداد (استانارد و کپر، ۲۰۲۰: ۸۱-۸۵)	تفاوت در سازوکار انحلال قرارداد و انعطاف‌پذیری آن
رویگرد به ثبات و انعطاف	اولویت بر ثبات و پایداری قراردادها؛ مداخله غیرضروری موجب اختلال در اعتماد اقتصادی و اجتماعی می‌شود (فاضل مقداد، نضد القواعد الفقهیه علی مذهب الامامیه، ۱۴۳۶: ۲۲۱-۲۲۵؛ نائینی، القواعد الفقهیه، ۱۴۲۸: ۳۱۷-۳۲۵)	ترکیب ثبات و انعطاف؛ پاسخ سریع به شرایط غیرمنتظره، اهمیت ویژه در قراردادهای دیجیتال و محیط‌های پویا (کوپر و کریک، ۲۰۲۲: ۱۳۷-۱۴۱)	رویگرد به ثبات و انعطاف قرارداد
پاسخ به شرایط غیرحضوری و دیجیتال	فسخ یا اقاله تنها در شرایط خاص و کنترل‌شده؛ حفظ امنیت حقوقی بلندمدت در معاملات سنتی (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۳۸، ج ۲۴: ۳۵۱-۳۵۶؛ شیخ طوسی، الخلاف، ۱۴۳۳، ج ۳: ۲۰۵-۲۰۹)	فسخ فوری و مطالبه خسارت برای مدیریت ریسک و تضمین کارآمدی معاملات دیجیتال (بیل، ۲۰۲۱: ۵۰-۵۹)	سرعت پاسخ به نقض قرارداد در محیط‌های غیرحضوری و دیجیتال
نقش توافق طرفین در فسخ و اقاله	توافق طرفین شرط اساسی اعمال انحلال یا خيارات است (انصاری، مکاسب، ۱۴۴۱، ج ۵: ۱۱۴-۱۱۸؛ نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۳۸، ج ۲۳: ۳۲-۳۵)	توافق طرفین معمولاً نقش ثانوی دارد و فسخ بر اساس نقض بنیادین کافی است (بوروز و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۲۱-۲۲۵)	نقش توافق طرفین در انحلال
اولویت در معاملات بلندمدت و کوتاه‌مدت	ثبات برای پیش‌بینی و امنیت حقوقی طولانی‌مدت (شیخ طوسی، المبسوط، ۱۴۳۳، ج ۳: ۲۲۶-۲۳۰؛ نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۳۸، ج ۲۲: ۴۹۶-۴۹۹)	انعطاف برای محافظت از منافع فوری طرفین (مک کندی، ۲۰۲۳: ۱۸۶-۱۸۹)	اولویت در معاملات بلندمدت
جمع‌بندی تطبیقی	نظامی ثبات‌محور و اعتمادگرا که انحلال قرارداد را استثنایی و مقید به اسباب شرعی یا توافق طرفین می‌داند و با تأکید بر پیش‌بینی‌پذیری و امنیت حقوقی، تناسب بیشتری با معاملات سنتی و بلندمدت دارد.	نظامی انعطاف‌محور و کارآمدگرا که با تسهیل فسخ و انحلال قرارداد در صورت نقض بنیادین، امکان واکنش سریع به تغییر شرایط و مدیریت ریسک را فراهم می‌کند و بیشتر با معاملات پویا، دیجیتال و کوتاه‌مدت سازگار است.	تفاوت دو نظام در تعادل میان کارآمدی و ثبات نمایان می‌شود؛ به گونه‌ای که حقوق کامن‌لا انعطاف‌پذیری و سرعت واکنش را بر امنیت بلندمدت ترجیح می‌دهد، در حالی که فقه امامیه با تأکید بر اصل لزوم، ثبات و اعتماد قراردادی را در اولویت قرار می‌دهد.

۵-۳- نقاط قوت و محدودیت‌های هر نظام

نظام فقه امامیه دارای نقاط قوتی است که شامل ثبات و امنیت در معاملات، احترام عمیق به اراده و توافق طرفین، و جلوگیری از اقدامات خودسرانه یا فسخ‌های غیرموجه می‌شود. با این حال، این نظام دارای محدودیت‌هایی نیز هست؛ از جمله انعطاف محدود در مواجهه با شرایط غیرمنتظره، دشواری انطباق با ماهیت متغیر و پرشتاب معاملات دیجیتال، و

محدود بودن ابزارهای انحلال به اسباب مشخص و سنتی. این ترکیب از ثبات و محدودیت، باعث می‌شود فقه امامیه در زمینه تضمین امنیت و اعتبار قراردادها قوی عمل کند، اما در مواجهه با تحولات سریع و انعطاف‌پذیری مورد نیاز در محیط‌های دیجیتال با چالش مواجه باشد (صادقی، ۱۴۰۱: ۱۶۱-۱۶۴). در مقابل، حقوق کامن‌لا نیز دارای نقاط قوتی است که شامل انعطاف‌پذیری بالا، امکان واکنش سریع به نقض بنیادین، کارآمدی در محیط‌های دیجیتال و پرشتاب، و قابلیت تنظیم روابط پیچیده و نوین می‌شود (مک‌کندریک، ۲۰۲۳: ۲۴۷-۲۵۰؛ بیل، ۲۰۲۱: ۳۲-۳۴). در مقابل، این نظام دارای محدودیت‌ها نیز هست؛ از جمله احتمال کاهش سطح ثبات در قراردادهای سنتی، وابستگی به تشخیص دقیق و گاه پیچیده نقض بنیادین، و امکان افزایش دعاوی در صورت سوءبرداشت از معیارهای فسخ (ایبرزو ۱ و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۹۰-۱۹۴). این ترکیب از انعطاف و چالش‌ها نشان می‌دهد که کامن‌لا توانایی بالایی در پاسخ به نیازهای محیط‌های مدرن و فناوری محور دارد، اما در عین حال نیازمند دقت و مراقبت در اجرای اصول فسخ و تعیین نقض بنیادین است. به طور کلی، تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو نظام، اصل لزوم قراردادهای پذیرفته و طرفین را ملزم به رعایت تعهدات می‌دانند. با این حال، تفاوت اصلی در میزان انعطاف‌پذیری و سازوکارهای انحلال قرارداد نهفته است. فقه امامیه با تأکید بر ثبات و وفای به عهد، تنها در صورت وجود سبب قانونی مشخص یا توافق دو طرف، اجازه انحلال قرارداد را می‌دهد. در مقابل، حقوق کامن‌لا از ابزارهایی مانند نقض بنیادین و فسخ خودکار بهره می‌گیرد که امکان انحلال سریع به‌ویژه در قراردادهای دیجیتال و پیچیده، را فراهم می‌کند.

این مقایسه نشان می‌دهد که ترکیب اصول ثابت‌ساز فقه امامیه با سازوکارهای انعطاف‌پذیر حقوق کامن‌لا می‌تواند الگوی کارآمدی برای توسعه حقوق قراردادهای مجازی و تجارت الکترونیک در ایران و دیگر کشورهایی باشد که به دنبال تلفیق مبانی شرعی با کارآمدی حقوق مدرن هستند. چنین الگویی ضمن حفظ اصول اسلامی، امکان واکنش سریع به شرایط نوین و ارتقای کارآمدی فضای حقوقی دیجیتال را نیز فراهم می‌سازد.

نتیجه‌گیری

هدف نویسندگان در پژوهش حاضر بحث و بررسی و تحلیل مبانی و آثار حقوقی انحلال قراردادهای مجازی از منظر فقه امامیه و حقوق کامن‌لا بوده است. سوال اصلی پژوهش عبارت بود از: «انحلال قراردادهای مجازی بر چه اصولی استوار است و چه تفاوت‌هایی در آثار آن وجود دارد؟» در این رابطه نویسندگان با بررسی تطبیقی فقه امامیه و حقوق کامن‌لا در زمینه انحلال قراردادهای مجازی نشان دادند که تحول فناوری اطلاعات و گسترش تجارت الکترونیک، ضرورت بازنگری و تطبیق مقررات موجود با فضای دیجیتال را بیش از پیش آشکار کرده است. اگرچه هر دو نظام حقوقی، اصل لزوم قراردادهای اعتبار تعهدات را به رسمیت می‌شناسند، نحوه مدیریت انحلال، انعطاف و پاسخگویی به شرایط غیرمنتظره تفاوت چشمگیری دارد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده آن است که حقوق دیجیتال نمی‌تواند صرفاً بر یک نظام حقوقی سنتی متکی باشد و نیازمند ترکیب اصول و سازوکارهای مختلف است.

در فقه امامیه، تأکید بر ثبات قراردادهای وفای به عهد، امنیت حقوقی و اعتماد طرفین را تضمین می‌کند و از مداخلات غیرضروری جلوگیری می‌نماید. این اصل، به ویژه در محیط‌هایی که معاملات سریع و پیچیده هستند، مانند فضای مجازی، ارزشمند است زیرا امکان تداوم روابط اقتصادی و اعتماد متقابل را فراهم می‌آورد. با این حال، محدودیت انعطاف در فقه امامیه و نیاز به وجود سبب قانونی یا توافق طرفین برای انحلال قرارداد، می‌تواند در برخی شرایط،

¹ Ebers

پاسخگویی سریع به نقض تعهدات یا شرایط اضطراری را دشوار سازد. در مقابل، حقوق کامن‌لا با ابزارهایی مانند نقض بنیادین و فسخ خودکار، امکان انحلال سریع و انعطاف‌پذیر قراردادهای را فراهم می‌کند. این سازوکارها به ویژه در قراردادهای الکترونیکی و دیجیتال اهمیت پیدا می‌کنند، زیرا محیط دیجیتال با سرعت بالای معاملات، عدم حضور فیزیکی طرفین و پیچیدگی موضوعات، نیازمند پاسخ سریع و کارآمد است. سیستم کامن‌لا، با ترکیب نسبی ثبات قراردادهای و انعطاف در شرایط خاص، تجربه‌ای عملی و متناسب با الزامات فناوری اطلاعات ارائه می‌دهد.

نتیجه مهم پژوهش حاضر دلالت بر این موضوع دارد که هیچ‌یک از دو نظام به تنهایی نمی‌تواند به طور کامل پاسخگویی نیازهای قراردادهای مجازی باشد. فقه امامیه، ثبات و امنیت حقوقی را تضمین می‌کند اما انعطاف محدود دارد؛ حقوق کامن‌لا انعطاف و پاسخ سریع فراهم می‌کند اما در برخی موارد ممکن است ثبات قراردادهای سنتی را کاهش دهد. از این رو، ترکیب دیدگاه‌های هر دو نظام می‌تواند چارچوبی جامع برای انحلال قراردادهای دیجیتال ارائه دهد که هم امنیت و اعتماد طرفین حفظ شود و هم امکان پاسخ سریع به نقض‌های بنیادین فراهم گردد. پژوهش حاضر همچنین نشان داد که فضای مجازی، چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی برای حقوق قراردادهای ایجاد کرده است. پیچیدگی موضوعات قراردادهای دیجیتال، تعاملات بین‌المللی، و سرعت بالای معاملات باعث شده است که نظام‌های حقوقی سنتی نیازمند بازنگری و بازتعریف سازوکارهای انحلال باشند. علاوه بر این، ترکیب اصول فقهی و ابزارهای کامن‌لا می‌تواند به ایجاد الگوهای حقوقی بومی و مدرن در کشورهای اسلامی کمک کند و زمینه لازم برای توسعه حقوق دیجیتال فراهم آورد.

در مجموع، پژوهش حاضر نشان داد که ترکیب اصول فقه امامیه و ابزارهای حقوق کامن‌لا می‌تواند به توسعه یک نظام حقوقی مناسب برای قراردادهای مجازی منجر شود که هم امنیت و ثبات معاملات را تأمین کند و هم انعطاف و پاسخ سریع را در محیط‌های دیجیتال فراهم آورد. اجرای راهکارهای پیشنهادی، علاوه بر ارتقای امنیت حقوقی، می‌تواند به تسهیل تجارت الکترونیک، کاهش اختلافات و افزایش اعتماد طرفین کمک کند و زمینه لازم برای توسعه حقوق دیجیتال در کشورهای اسلامی را فراهم نماید.

۱. بازنگری هوشمند و آزمایشی مقررات داخلی قراردادهای دیجیتال: به جای اصلاح کلی قوانین، ابتدا بندهای کلیدی مرتبط با انحلال، فسخ و نقض قراردادهای دیجیتال شناسایی و بازنگری شوند. این بازنگری می‌تواند ترکیبی از اصول فقه امامیه (فسخ، اقاله، خیارها) و سازوکارهای حقوق کامن‌لا (نقض بنیادین، فسخ خودکار) باشد. اجرای آزمایشی در قراردادهای بزرگ و مهم، همراه با پایش و تحلیل داده‌ها، امکان سنجش کارایی و اصلاح تدریجی قوانین را فراهم می‌کند و از آشفتگی قانونی جلوگیری می‌کند.

۲. تدوین چارچوب کاربردی و نمونه قراردادهای دیجیتال: ایجاد دستورالعمل‌ها، نمونه قراردادهای و سامانه راهنمای عملی که شامل مراحل فسخ، انحلال خودکار، خیار عیب و نقض بنیادین باشد، موجب کاهش اختلافات عملی و افزایش اطمینان طرفین می‌شود. این چارچوب باید به صورت تعامل‌پذیر و دیجیتال در دسترس فعالان اقتصادی قرار گیرد و امکان اعمال خودکار برخی مفاد قرارداد در بستر دیجیتال (قرارداد هوشمند) را داشته باشد.

۳. آموزش عملی و شبیه‌سازی سناریوهای واقعی: برگزاری دوره‌های عملی و کارگاه‌های شبیه‌سازی قراردادهای مجازی برای مدیران قراردادهای، حقوق‌دانان و فعالان کسب‌وکار. تمرکز بر نمونه‌های واقعی و تطبیقی فقه امامیه و کامن‌لا، استفاده از سناریوهای شبیه‌سازی شده برای مدیریت ریسک و تصمیم‌گیری در شرایط اضطراری، موجب افزایش آگاهی و کاهش خطاهای عملی می‌شود.

۴. طراحی سامانه مدیریت قرارداد هوشمند با قابلیت هشدار و اجرای خودکار: توسعه نرم‌افزارهای مدیریت قرارداد که توانایی رصد تعهدات، شناسایی نقض‌ها، ارسال هشدار و پیشنهاد اقدامات اصلاحی را داشته باشند. این سامانه‌ها می‌توانند با قوانین داخلی و اصول فقهی ترکیب شوند و اجرای شرایط فسخ خودکار و اقاله دیجیتال را امکان‌پذیر سازند. چنین سیستم‌هایی هزینه‌های حقوقی را کاهش داده و سرعت اجرای قراردادها را افزایش می‌دهند.

۵. تعیین شفاف شروط و آثار حقوقی انحلال در متن قرارداد: تمام شرایط مرتبط با فسخ، نقض بنیادین، اقاله و خیارها باید به صورت روشن، دقیق و اجرایی در قرارداد درج شود. استفاده از نمونه بندهای قراردادی استاندارد و مشاوره حقوقی پیش از انعقاد قرارداد، امکان سوء تفاهم و اختلاف را به حداقل می‌رساند و طرفین می‌دانند هر اقدام و انحلال چه آثار مالی و حقوقی دارد.

منابع

۱. منابع فارسی

کتاب‌ها

قرآن کریم

- آریافر، فاطمه. (۱۴۰۳). انفساخ عقد در حقوق ایران و فقه امامیه. تهران: سخنوران.
- احمدی‌فر، رسول. (۱۴۰۳). حقوق مدنی ۶: عقود معین ۱. تهران: انتشارات مجد.
- اژدری، شراره. (۱۴۰۳). ماهیت قراردادهای استفاده از فضای مجازی، مسئولیت مدنی و آثار آن. تهران: رزا.
- تاج لنگرودی، محمدحسن. (۱۴۰۴). چالش‌های حقوقی انعقاد، اجرا و انحلال قرارداد هوشمند در بستر بلاک‌چین. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- جبارزاده، سید مصباح. (۱۴۰۳). بررسی فقهی و حقوقی مبانی و مشروعیت بیت‌کوین. تهران: عدالت.
- حیاتی، علی‌عباس. (۱۴۰۳). حقوق مدنی (۶): بیع، اجاره، قرض، جعاله، صلح. تهران: میزان.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۴). تحریر الوسیله (چاپ چهارم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رستمی، محمدهادی. (۱۴۰۳). تحلیل اقتصادی برخی قواعد عمومی قراردادها (مطالعه تطبیقی در حقوق و فقه امامیه). قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رئیس، مجتبی. (۱۴۰۳). خیارات در معاملات مجازی (واکاوی و چگونگی اجرای خیارات مختص بیع در معاملات فضای مجازی). تهران: داعیه.
- سیاری، رئوف، غلامی، یاسر. (۱۴۰۲). عقود معین: تفسیری-تطبیقی. تهران: کتاب آوا.
- صادقی، محمود. (۱۴۰۱). احکام فضای مجازی. قم: بوستان کتاب.
- صدقی، محمدباقر. (۱۴۰۳). قراردادهای الکترونیکی از منظر فقه امامیه. تهران: میزان.
- صفایی، سیدحسین. (۱۴۰۴). دوره مقدماتی حقوق مدنی (جلد اول، چاپ یازدهم). تهران: میزان.
- عباس‌نژاد، محسن. (۱۴۰۳). بازخوانی فقه شیعه: کتاب خیارات. تهران: برکات.
- فلاحی، آزاد. (۱۴۰۱). حقوق قراردادهای نوین. تهران: مجد.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی. (۱۴۰۲). حقوق مدنی تحلیلی: عقود معین (جلد ۱). تهران: دادگستر.
- قیاسی‌فر، حمید، پورقصاب‌امیری، علی، رحمانی، محمدرضا. (۱۴۰۳). قراردادهای هوشمند در حوزه بلاک‌چین. تهران: امجد.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۴۰۳). دوره مقدماتی حقوق مدنی (چاپ سیزدهم). تهران: گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۴۰۲). قواعد عمومی قراردادها (چاپ نهم). تهران: گنج دانش.
- مدرسی، محمدتقی. (۱۳۹۹). احکام معاملات (چاپ سوم). قم: محبان‌الحسین (ع).

مظاهری، رسول، خادمی کوشا، محمدعلی. (۱۳۹۷). قراردادهای الکترونیکی از دیدگاه فقه و حقوق. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ممینی، راضیه. (۱۴۰۳). شرایط و احکام تجارت الکترونیک. تهران: علم.

موسوی بجنوردی، سید مصطفی. (۱۴۰۱). فقه مدنی (چاپ سیزدهم). تهران: مجد.

نبی، محمدجواد. (۱۴۰۳). فقه شیعه در ترازوی حقوق تحلیلی: مبانی شرعی قوانین ایران از منظر فقه امامیه. تهران: فرهیختگان.

مقاله‌ها

احمدی حصار، نادر، جلالی زاده، جلال، رحمانی، تیمور، پارسا، فرزاد. (۱۴۰۴). تحلیل تطبیقی مفهوم مال در تطبیق بر بیت کوین در فقه مذاهب اسلامی و نظام حقوقی ایران. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۳(۲۳)-۱-۲۳. <https://doi.org/10.61838/jecjl.170>

ارزانی، نیما. (۱۴۰۳). چالش‌های معاملات الکترونیکی و راهکارهای مشروعیت‌بخشی به آن از منظر فقه امامیه. مطالعات فقه و حقوق فرهنگی، ۱۱(۱۰۱)-۱۲۷-۱۰۱. <https://doi.org/10.22034/cjls.2025.2049684.1019>

ایزدی فرد، علی اکبر، کاویار، حسین، حسنجانی، علی. (۱۳۹۲). خیار مجلس در قراردادهای الکترونیکی. حقوقی دادگستری، ۷۷(۸۱)-۹۲-۶۵. <https://doi.org/10.22106/jlj.2013.10971>

باحقیقت ماچیان، ابراهیم. (۱۴۰۴). بررسی ماهیت حقوقی شرط ضمن عقد در فقه امامیه و تأثیر آن بر قانون مدنی ایران. مطالعات حقوق و علوم قضایی، ۲(۴)-۶۸۸-۷۰۲.

باقری اصل، سعیده. (۱۴۰۳). معیار و آثار تقسیم مقررات قراردادها در حقوق امامیه و موضوعه ایران. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۶(۳۴)-۵۵-۷۸.

بجنوردی، سیدمحمد، فلاحت‌پیشه، بهنوش. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی امکان‌سنجی اعطای حق فسخ ابتدایی قرارداد به متعهدله. پژوهش حقوق خصوصی، ۴۴(۴۴)-۲۸۵-۳۲۲. <https://doi.org/10.22054/jplr.2023.64268.2619.322-285>

تیموری فر، آرش. (۱۴۰۴). مال بودن یا نبودن ارزشهای دیجیتال از منظر فقه تطبیقی. مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۷۲(۷۲)-۹۵-۱۱۱. جعفری، علی، جوانمردی، زهرا. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی ماهیت و آثار شرط مسقط فعلیت تعهد. حقوق تطبیقی، ۱۱(۱)-۵۹-۷۹.

<https://doi.org/10.22096/law.2024.2015739.2182>

حسینی، سید حمزه، معصومی، جمشید. (۱۴۰۴). بررسی فقهی و حقوقی قبض و تسلیم در قراردادهای سنتی و الکترونیکی. مطالعات میان‌رشته‌ای فقه، ۵(۴)-۱۳۳-۱۴۷.

خواجehزاده، امیر. (۱۴۰۴). ابعاد فقهی حقوقی معاملات الکترونیکی و دیجیتالی در حقوق ایران. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۳(۸)-۱-۱۸. <https://doi.org/10.61838/jecjl.311>

ذوالقدر، محمدجواد، شهبازی‌نیا، مرتضی، پارساپور، محمدباقر. (۱۴۰۲). تحلیل اعتبار شروط الحاقی به عقد. پژوهش‌های حقوق اقتصادی و تجاری، ۱(۳)-۱۰۷-۱۳۷. <https://doi.org/10.48308/eclr.2024.233847.1041>

شعبان‌نیا منصور، مهدی، بهبودیان، بهروز، زنگنه ابراهیمی، علیرضا. (۱۴۰۴). قواعد آمرة در قرارداد کار. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۲۱(۲)-۵۵-۷۸.

شفیعی‌نسب، سیده صدیقه، قربانی، محمدعلی، رحمن ستایش، محمدکاظم. (۱۴۰۱). بررسی مفهوم و ماهیت قرارداد الکترونیکی. پژوهش‌های فقهی، ۱۸(۳)-۷۱۱-۷۳۱.

صفایی، سیدحسن، فلاحتی شهاب‌الدینی، علی. (۱۴۰۲). عقود اذنی تجاری. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۰(۴)-۷۳-۹۶.

عارفی سید یعقوب. (۱۴۰۳). اصل اجرای فوری تعهد قراردادی در فقه امامیه. دانش حقوقی، ۲(۴)-۴۱-۷۲.

عظیمی‌منش، مرضیه، جعفری فشارکی، محمد، قربانی فر، مریم. (۱۴۰۵). تحلیل تطبیقی موارد حق فسخ. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۴(۱)-۲۳-۱.

فیروزکاه، زری، منتظری، زهرا، فغانی، رامین. (۱۴۰۵). بررسی مشروعیت تجارت الکترونیک در فقه اسلامی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۸(۱)-۱-۱۲.

کریمی، سحر، سینمبری، پریسا. (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی امضای دیجیتالی در قراردادهای هوشمند. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۲(۳)، ۱-۱۴. وفادار، جواد، عسگری، علیرضا، کریمی، نسرین. (۱۴۰۱). تحلیل فقهی و حقوقی مبانی امضای الکترونیکی. مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۲(۴)، ۶۰۷-۶۱۹.

یگانه پور قاسمی، سحر، نیک‌اندیش فراهانی، مهتاب. (۱۴۰۳). فضای سایبر و حقوق تولید محتوا. حقوق سایبری، ۱(۴)، ۱-۱۸. نیک‌نژاد، جواد. (۱۴۰۴). صورت‌بندی آثار عقد مراعی در فقه امامیه و حقوق ایران. پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۲۶(۳)، ۸۶۱-۸۹۶.

۲. منابع عربی

- آملی طبری، محمدتقی. (۱۴۲۲). مکاسب والبیع. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۴۱). مکاسب. چاپ بیست و چهارم، قم: مجمع الفکر اسلامی.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۴۱). مکاسب. چاپ بیست و چهارم، قم: مجمع الفکر اسلامی.
- حائری حسینی، کاظم. (۱۴۳۵). فقه العقود: دراسة مقارنة بين الفقه الإسلامی والفقه الوضعی. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- حسینی حائری، کاظم. (۱۴۳۳). الفتاوی المنتخبة: مجموعه اجابات فی فقه العبادات والمعاملات. قم: دار البشیر.
- خیمینی، سید علی. (۱۴۴۳). البضاعة المزجاة فی فقه المعاملات. بیروت: شركة العارف للأعمال.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۳۴). مصباح الفقاهة فی المعاملات، بیروت: مؤسسه دار الیهادی.
- حرماعلی، محمد بن الحسن. (۱۴۳۶). وسائل الشیعه. جلد ۱۷، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۴۱). النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی. بیروت: دارالاحیاء الاسلامی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۳۶). الخلاف. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۳۳). الخلاف. تهران: مکتبه المرتضویه.
- شهید ثانی، زین الدین بن نورالدین. (۱۴۳۳). مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۶). قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام. بیروت: دارالتراث العربی.
- علم الهدی، سید مرتضی. (۱۴۲۹). مسائل الناصریات. بیروت: رابطة الثقافة والعلاقات الإسلامیة.
- فاضل مقداد، عبدالله. (۱۴۳۶). نضد القواعد الفقهیة علی مذهب الامامیة قم: مرکز انتشارات آیه الله مرعشی نجفی.
- نائینی، محمدحسین. (۱۴۲۸). القواعد الفقهیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی جواهری، محمدحسن. (۱۴۳۸). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. جلد ۳۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، ملااحمد. (۱۴۳۱). مستند الشیعه فی أحكام الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- نراقی، ملااحمد. (۱۴۲۹). عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام ومهمات مسائل الحلال والحرام. قم: تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۳. منابع انگلیسی

Journal Articles

- Adesina Okoli, C., and Yekini, A. (2024). Implied jurisdiction agreements in international commercial contracts: a global comparative perspective. *Journal of Private International Law*, 19(3), 321-361. <https://doi.org/10.1080/17441048.2023.2294615>
- Adhab Atiyah, G., Ibrahim, A. I., & Jasim, A. A. (2024). Enforcement of smart contracts in cross-jurisdictional transactions. *International Journal of Law and Management*, 36(1), 1-26. <https://doi.org/10.1108/ijlma-06-2024-0220>.
- Ahmad, A., Zain, M., & Zakaria, N. (2024). The position of smart contracts in the light of Islamic contract theory. *Samarah: Jurnal Hukum Keluarga dan Hukum Islam*, 8(1), 144-171. <https://doi.org/10.22373/sjkh.v8i1.16372>
- Alomari, M. A. (2025). Ways to Terminate the Smart Contract: A Jurisprudential Study," *Dirasat: Shari'a and Law Sciences*, 52(2), 5228-5250. <https://doi.org/10.35516/law.v52i2.5228>
- Andrew Phang, H. (2024). The importance of theory and history in understanding and developing the common law of contract some furtherdeveloping the common law of contract – some further preliminary reflectionspreliminary reflections. Singapore: Yong Pung How School of Law Institutional Knowledge.

- Atiyah, G., Manap, N., Ibrahim, A., & Rahman, A. (2024). Ways to Terminate the Smart Contract: A Jurisprudential Study,” *Dirasat: Shari’a and Law Sciences*, 9(1), 155-199. <https://doi.org/10.29240/jhi.v9i1.8726>
- Ayres, I. (2025). *How to Use the Restatement of Consumer Contracts: A Guide for Judges?* Georgetown: Georgetown University Law Center.
- Ballaji, N. (2024). Smart Contracts: Legal Implications in the Age of Automation. *Beijing Law Review*, (15), 1015-1032. <https://doi.org/10.4236/blr.2024.153061>
- Bassan, F., & Rabitti, M. (2024). From smart legal contracts to contracts on blockchain: An empirical investigation. *Computer Law & Security Review*, (55), 314-341. <https://doi.org/10.1016/j.clsr.2024.106035>
- Baso, F., et al. (2024). The Overview of Smart Contract: Legality and Enforceability. *Dialogia Iuridica*, 16(1), 96-111. <https://doi.org/10.28932/di.v16i1.10024>
- Beale, H. (2024). Diversity among Contract Laws: What are the Measures, and what are the Drivers? *Journal of Revista de Derecho Civil*, 6(4), 163-191. <https://dialnet.unirioja.es/servlet/articulo?codigo=9893795>
- Beale, H. (2021). *Chitty on Contracts*. London: Sweet & Maxwell.
- Bermann, G. (2024). *Applicable Law and the Civil and Common Law Divide*. Columbia: Columbia Law School.
- Bingham, T., (2011). *The Rule of Law*. London: Penguin.
- Bradley, R. (2024). *Philosophy of Contract Law*. New York: Springer.
- Cooper, T., & Kirk, E. (2022). *Contract Law* (2nd ed.). London: Routledge.
- Ebers, M., Poncibo, C., & Zou, M. (2022). *Contracting and contract law in the age of artificial intelligence*. London: Bloomsbury Publishing.
- Faizin, M., Ezzerouali, S., Jibril, A. M., & Bahari, R. (2025). Redefining Consent in Digital Contracts through Electronic Signatures in Islamic Law. *International Journal of Islamic Thought and Humanities*, 4(2), 384-393. <https://doi.org/10.54298/ijth.v4i2.637>
- Flugge, V., and Saunders, K. (2024). A Contract Depending on How You Slice It: A Case Study on the Common Law, Uniform Commercial Code, and Business Ethics. *Journal of Creighton Law Review*, 57(1), 439-466.
- Furmston, M. (2020). *The Future of the Law of Contract*. London: Routledge.
- Garg, A. (2023). A Comparative Analysis of Contract Law in Common Law and Civil Law Jurisdictions. *Indian Journal of Law*, 1(1), 61-88. <https://doi.org/10.36676/ijl.2023-v1i1-08>
- Giampieri, P. (2025). *Termination Clauses in Common Law and Civil Law: A Comparative Corpus-Based Analysis of English-Italian Terms of Service*. Camerino: University of Camerino Press.
- Godbole, S., Radha Krishna, P., Sri Harika, S., & Varnam, P. (2025). Validation Framework for E-Contract and Smart Contract. *arXiv preprint*, 23(7), 496-522. <https://arxiv.org/abs/2504.19137>
- Halaburda, H., Levina, N., & Min, S. (2024). Digitization of Transaction Terms within TCE: Strong Smart Contracts and Enforcement Costs. *MIS Quarterly*, 48(2), 825-850. <https://doi.org/10.25300/MISQ/2023/17818>
- Khalifa, A. S., & Samad, N. S. (2025). Smart Contracts and the Challenges of Conflict of Laws in Digital Space. *Indonesian Journal of Law and Economics Review*, 20(4), 170-198. <https://doi.org/10.21070/ijler.v20i4.1328>
- Leeming, M. (2023). *Subjective intention in the law of contract – its role and limits*. Queensland: University of Queensland and Supreme Court of Queensland Library
- Lima, S. A., Naeemi, S. M., & Kohani Khoshkbejari, M. (2025). Legal Transformation of Contracting Agreements in the Digital Age: An Analysis of the Role of Artificial Intelligence in Ensuring Transparency and Reducing Legal Risks in Contracts. *Legal Studies in Digital Age*, 4(3), 1-13. <https://doi.org/10.61838/kman.lsd.163>
- McKendrick, E. (2023). *Contract Law*, 14th ed., Oxford: Oxford University Press.
- Moore, M. (2024). Contract Interpretation and the Employment Relation: From Commercial to Industrial Common Sense? *Journal of Business Law*, 36(3), 185-210. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4838071>
- Poole, J., (2020). *Textbook on Contract Law*. 16th ed., Oxford: Oxford University Press.

- Rowan, S. (2012). *Termination for Breach of Contract in Remedies for Breach of Contract: A Comparative Analysis of the Protection of Performance*. London: Oxford University Press.
- Sideman, R., & Bancroft, T. (2025). *Smart Contracts Revisited: Lessons From The Courts in 2025*. Sideman Legal Review. <https://www.sideman.com/smart-contracts-revisited-lessons-from-the-courts-in-2025>
- Spooner, J. (2024). *Contract Law When the Poor Pay More Open Access*. *Oxford Journal of Legal Studies*, 44(2), 257-285. <https://doi.org/10.1093/ojls/gqae002>
- Stannard, J. E., & Capper, D. (2020). *Termination for breach of contract* (2nd ed.). Oxford University Press.
- Syafa'i, I., and Megasari, D. (2024). *Flexibility and Adaptation of Contract Law: Comparative Study Between Indonesia's Civil Law System and Singapore's Common Law*. *Journal of West Science Law and Human Rights*, 2(4), 332-338. <https://doi.org/10.58812/wslhr.v2i04.1323>
- Uliasz, S. (2025). *Cross-Cultural and Linguistic Dynamics in the Deterritorialization of Legal Concepts Through International Commercial Contracts*. *International Journal for the Semiotics of Law*, 38(1), 1291-1313. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11196-024-10207-2>
- Van Eck, J., & Agbeko, P. (2024). *The recognition and regulation of smart contracts in South Africa*. *PER Journal*, 27(1), 606-640. <https://www.saflii.org/za/journals/PER/2024/24.html>
- Visser, C. J. (2024). *Transformative constitutionalism and the fault requirement of the common law of personality*. *De Jure Law Journal*, 18(2), 142-179. <https://www.scienceopen.com/document?vid=a94ed3a8-02cf-43cb-b160-741093fccc59>